



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

## تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

## برکت از دیدگاه آیات و روایات

استاد راهنما

سرکار خانم داوودی

استاد داور

پژوهشگر

مریم اسدی دستجردی

زمستان ۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

## تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

## برکت از دیدگاه آیات و روایات

استاد راهنما

سرکار خانم داوودی

استاد داور

پژوهشگر

مریم اسدی دستجردی

زمستان ۱۳۹۲

## تقدیر و تشکر

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

سپاس می‌گویم خداوند بزرگی را که همیشه از این بنده کوچک دست‌گیری کرده، و از او مسئلت دارم که در بین هزاران بیراهه، گام بر داشتن در راه حق و حقیقت را نصیب ما گرداند.

در ابتدا از زحمات شبانه روزی و دلسوزانه موسس محترم حوزه علمیه نرجس خاتون (علیه‌السلام) حضرت آیت الله ناصر (دامتبرکاته) کمال تقدیر و تشکر را دارم.

در ادامه از راهنمایی‌های سرکار خانم ناصر، مدیریت حوزه، خانم زمانی معاون پژوهش و خانم داوودی استاد راهنمای این پایان‌نامه سپاس و قدردانی می‌نمایم.

و در پایان از زحمات و فداکاری‌های عاشقانه خانواده عزیزم به خصوص همسر گرامی‌ام که در طول این سالها با بزرگواری تمام، شرایط رشد و پیشرفت بنده‌ی حقیر را فراهم نموده، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

## تقدیم:

این اثر را به ساحت مقدس چهارده معصوم (علیهم السلام)

که مقصد خلقت هستند به ویژه به عصاره ی خلقت

صاحب العصر و الزمان روحی و ارواح العالمین له

الفداء

و مادر گرامیشان نرجس خاتون (سلام الله علیها)

تقدیم می نمایم.

چکیده

بشر همواره به دنبال یافتن عوامل و آثار رفتار خویش بوده و علاقمند است علت تفاوت ها را بداند از طرفی نظام هستی، نظام اسباب و مسببی است به طوریکه تمام ذرات آن با یکدیگر مرتبط هستند. زیباترین و شیواترین بیان در رابطه با علت و معلول ها در آیات قرآن و سخن پیشوایان دین آمده است

به همین دلیل برای شناخت برکت، در آیات و روایات اهل بیت (علیهم السلام) عوامل فراوانی را جهت جلوگیری از فقر و تنگدستی و گشایش رزق و روزی و برکت در زندگی برشمرده اند که اگرچه رابطه برخی از این عوامل با ثروت و فقر بر ما پوشیده است اما بی تردید گفتار معصومین (علیهم السلام) بهترین بیان در این رابطه است.

بنابراین با تحقیق و بررسی در کتب آیات و روایات مشخص شد که علاوه بر عوامل مادی، عوامل معنوی هم در بحث برکت تأثیر گذارند و در فرهنگ اسلامی عوامل معنوی برکت در کنار عوامل مادی آن قرار دارند چرا که روایات موجود از یک سو؛ تقوا، عبادت، طهارت، دعا، نماز، حج، استغفار و مانند این ها را مبادی و زمینه های ایجاد برکت و توسعه در زندگی معرفی می کنند و از سوی دیگر کشاورزی، دامپروری، تجارت و کار را پشتوانه و مایه ی برکت و توسعه می شناسند.

از طرفی دیگر نافرمانی از پروردگار عالم و سرپیچی از اوامر الهی، موجب سلب برکت از عمر و مال و زندگی می شود. و در حقیقت گناهان اخلاقی و فردی و اجتماعی فاجعه های دردناک و هستی سوز جامعه ی بشری هستند که باعث خشم و غضب خداوند و سلب برکت می گردند.

**کلید واژه:** برکت، برکت مادی، برکت معنوی.

# فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه ..... ۱

## بخش اول: کلیات و مفاهیم

### فصل اول: کلیات تحقیق

- ۱.۱. تعریف و تبیین موضوع ..... ۵
- ۱.۲. اهمیت و ضرورت تحقیق ..... ۵
- ۱.۳. اهداف و فوائد تحقیق ..... ۵
- ۱.۴. پیشینه موضوع تحقیق ..... ۶
- ۱.۵. سوالات تحقیق ..... ۶
- ۱.۶. فرضیه تحقیق ..... ۷
- ۱.۷. روش تحقیق ..... ۷
- ۱.۸. ساختار تحقیق ..... ۷
- ۱.۹. واژگان کلیدی ..... ۸
- ۱.۱۰. محدودیتها و موانع تحقیق ..... ۸

### فصل دوم: مفهوم شناسی

- ۲.۱. مفهوم شناسی واژه برکت ..... ۱۰
- ۲.۱.۱. مفهوم لغوی واژه برکت ..... ۱۰

۲.۱.۲. معنای اصطلاحی واژه برکت ..... ۱۲

۲.۲. انواع برکت ..... ۱۳

### بخش دوم: ادبیات تحقیق

#### فصل اول: کاربرد واژه برکت در آیات و روایات

۱.۱. افراد ..... ۱۷

۱.۱.۱. انبیاء ..... ۱۷

۱.۱.۱.۱. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و ذریه ایشان ..... ۱۷

۱.۱.۱.۲. حضرت عیسی (علیه السلام) ..... ۱۸

۱.۱.۲. ائمه (علیهم السلام) ..... ۱۹

۱.۱.۳. شیعیان (مومنان) ..... ۲۱

۱.۱.۴. دختران ..... ۲۲

۱.۲. مکان ها ..... ۲۳

۱.۲.۱. کعبه ..... ۲۳

۱.۲.۲. مسجد کوفه ..... ۲۴

۱.۲.۳. مسجدالاقصی ..... ۲۵

۱.۲.۴. فلسطین و شام ..... ۲۶

۱.۲.۵. وادی مقدس طوی ..... ۲۸

۲۹	.....	۱.۳ . زمان ها
۲۹	.....	۱.۳.۱ . شب قدر
۳۱	.....	۱.۳.۲ . روز جمعه
۳۲	.....	۱.۴ . خوراکی ها
۳۲	.....	۱.۴.۱ . آب
۳۳	.....	۱.۴.۲ . نان
۳۴	.....	۱.۴.۳ . خرما
۳۵	.....	۱.۴.۴ . زیتون
۳۶	.....	۱.۴.۵ . عدس
۳۷	.....	۱.۴.۶ . گوسفند
۳۸	.....	نتیجه گیری

## فصل دوم: عوامل برکت

۴۰	.....	۲ . عوامل برکت
۴۰	.....	۲.۱ . عوامل فردی
۴۰	.....	۲.۱.۱ . تقوا
۴۲	.....	۲.۱.۲ . اقامه نماز
۴۴	.....	۲.۱.۳ . وضو

۴۵	..... نماز شب . ۲.۱.۴
۴۶	..... سحر خیزی . ۲.۱.۵
۴۸	..... تلاوت قرآن . ۲.۱.۶
۴۹	..... شکر و سپاس . ۲.۱.۷
۵۱	..... کار و تلاش . ۲.۱.۸
۵۲	..... ازدواج . ۲.۱.۹
۵۳	..... استغفار . ۲.۱.۱۰
۵۴	..... قناعت . ۲.۱.۱۱
۵۵	..... نام نیک . ۲.۱.۱۲
۵۷	..... زیارت امام حسین (علیه السلام) . ۲.۱.۱۳
۵۷	..... عوامل اجتماعی . ۲.۲
۵۷	..... جماعت . ۲.۲.۱
۵۹	..... مشورت . ۲.۲.۲
۶۰	..... انفاق و زکات . ۲.۲.۳
۶۲	..... نیکی و احسان به والدین . ۲.۲.۴

۶۳	.....	۲.۲.۵ . نیکی و احسان به خلق
۶۴	.....	۲.۲.۶ . حسن خلق
۶۵	.....	۲.۲.۷ . صله رحم
۶۶	.....	۲.۲.۸ . مهمان

### فصل سوم: موانع برکت

۷۰	.....	۳ . موانع برکت
۷۰	.....	۳.۱ . موانع فردی
۷۰	.....	۳.۱.۱ . گناه
۷۳	.....	۳.۱.۲ . ناسپاسی و کفران (کفران نعمت)
۷۴	.....	۳.۱.۳ . سبک شمردن نماز
۷۶	.....	۳.۱.۴ . فساد نیت
۷۷	.....	۳.۱.۵ . خواب صبحگاهی
۷۸	.....	۳.۱.۶ . ترک تسمیه
۷۸	.....	۳.۱.۷ . حرام خواری
۸۱	.....	۳.۱.۸ . اسراف
۸۲	.....	۳.۱.۹ . غذای داغ

۸۳	..... شرب خمر .۳.۱.۱۰
۸۴	..... موانع اجتماعی .۳.۲
۸۴	..... ریا .۳.۲.۱
۸۶	..... بخل .۳.۲.۲
۸۷	..... عدم پرداخت زکات .۳.۲.۳
۸۸	..... ترک امر به معروف و نهی از منکر .۳.۲.۴
۹۰	..... فریب مسلمان .۳.۲.۵
۹۱	..... قسم در معامله .۳.۲.۶
۹۲	..... خیانت در امانت .۳.۲.۷
۹۳	..... ناسزاگویی به خلق .۳.۲.۸
۹۵	..... بی عدالتی در قضاوت .۳.۲.۹
۹۶	..... ظلم و ستم .۳.۲.۱۰
۹۶	..... دوری از علما .۳.۲.۱۱
۹۷	..... مستلت از غیر خداوند .۳.۲.۱۲
۱۰۰	..... نتیجه گیری
۱۰۱	..... پیشنهادات
۱۰۲	..... منابع و مآخذ

## مقدمه

تلاش برای رشد و پیشرفت از جمله خصوصیات ذاتی بشر است و از گذشته تاکنون مشهود بوده است. این ارتقاء و پیشرفت در تمام زمینه های مادی و معنوی که انسان لیاقت آن را داشته، تجلی یافته به طوریکه وضعیت کنونی جهان از لحاظ دست یابی به تکنولوژی پیشرفته و علوم پیچیده، بهترین گواه بر این مدعاست.

در برخی موارد مشاهده می شود با وجود امکانات مساوی و شرایط یکسان، نوع پیشرفت های افراد متفاوت بوده است.

همچنین در مورد رزق و روزی این سوال مطرح است که چگونه برخی انسان ها با درآمد اندک از نشاط مطلوب و زندگی پر برکتی برخوردارند در حالیکه برخی دیگر به رغم برخورداری از امکانات و درآمد زیاد به طور مدام با مشکلات و دشواری های متعدد مواجه شده و در زندگی خویش احساس نارضایتی می کنند و زبان حالشان گویای این مطلب است که برکت از زندگی آنها رخت بر بسته است.

با کمی دقت نظر در مورد مطالب مذکور، می توان به این نکته پی برد که اسباب این جهان منحصر به ظواهر و مادیات نیست و در ورای این عالم مادی، امور دیگری به نام معنویات وجود دارد که ارتباط بس عمیق با عالم مادیات دارد.

آنچه دین مبین اسلام، در زمینه استفاده از این منابع ما را به آن رهنمون می سازد، توجه به واژه ی برکت و مضامینی است که در آن نهفته است و می تواند در هر فرد با هر سرمایه و توان و استعدادی که دارد پیاده شود. بر این اساس در این پایان نامه سعی شده به روش کتابخانه ای، تحقیقی کاربردی - توصیفی در مورد برکت ارائه شود امید است مورد عنایت خداوند متعال و رضایت خوانندگان محترم واقع شود.

## **بخش اول: کلیات و مفاهیم**

### **فصل اول: کلیات تحقیق**

### **فصل دوم: مفهوم شناسی**

# **بخش اول: فصل اول**

## **فصل اول: کلیات تحقیق**

## کلیات تحقیق

- ۱.۱. تعریف و تبیین موضوع
- ۱.۲. اهمیت و ضرورت تحقیق
- ۱.۳. اهداف و فواید تحقیق
- ۱.۴. پیشینه موضوع تحقیق
- ۱.۵. سوالات تحقیق
- ۱.۶. فرضیه تحقیق
- ۱.۷. روش تحقیق
- ۱.۸. ساختار تحقیق
- ۱.۹. واژگان کلیدی تحقیق
- ۱.۱۰. محدودیتها و موانع تحقیق

## ۱.۱. تعریف و تبیین موضوع

برکت به معنای تداوم، توسعه، پایداری و رشد و گسترش خیر می باشد. یکی از مسائل فرهنگ بشری، خیر و برکت است که همه ی انسان ها با هر عقیده و اندیشه ی دینی خواستار آن دو در زندگی خویش اند و همواره در پی فراهم آوردن زمینه های پیدایش و رفع موانع تحقق آن ها هستند. از سوی دیگر، همه ی انسان ها به طور مطلق به اندازه ی ظرفیت و شایستگی خود از برکات الهی برخوردارند. از این رو در قرآن و روایات معصومین (علیم السلام) ضمن اینکه تاکید فراوان بر آن ها شده، شاهد استعمال مکرر خیر و برکت در همه زمینه های اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی و ... هستیم.

## ۱.۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه مشاهده می شود که بعضی از مردم بر خلاف کار و تلاش بی وقفه، با بی برکتی در زندگی خود مواجه اند ولی عوامل و موانع آن را به درستی نمی شناسند. در حالی که در آیات و روایات، این عوامل و موانع، به طور کامل مشخص شده و با تأکید بسیار به آن اهمیت داده شده، بنابراین به نظر می رسد احصاء آن عوامل و موانع و بررسی دقیق آن ها، بتواند کمک به حل این مشکل اجتماعی باشد.

## ۱.۳. اهداف و فوائد تحقیق

**هدف تحقیق:**

آشنایی با برکت و عوامل ایجاد آن.

**فوائد تحقیق:**

فایده تحقیق پایانی ما در این زمینه، آشنایی با موارد زیر می باشد. ماهیت و مصادیق برکت، انواع برکت، عوامل و موانع برکت.

#### ۱.۴. پیشینه موضوع تحقیق

برکت از مفاهیمی است که در قرآن و معارف اسلامی کاربرد بسیاری دارد و در بعضی تفاسیر ذیل آیات مربوطه مطالبی ذکر شده و تا حدودی به این موضوع پرداخته شده و در بعضی کتب اخلاقی نیز در حین مباحث دیگر عنوان شده ولی به طور مجزا و کامل بحث مطرح نشده است اخیراً نیز کتاب خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث توسط آقای محمدی ری شهری تدوین شده که آن نیز تنها به ذکر آیات و روایات اکتفا کرده و همچنین مطالب آن دسته بندی موضوعی و کاربردی نشده است.

#### ۱.۵. سوالات تحقیق

سوالات اصلی:

رویکرد آیات و روایات به برکت چیست؟

سوالات فرعی:

۱. واژه برکت در آیات و روایات در چه مواردی به کار رفته است؟

۲. عوامل برکت چیست؟

۳. موانع برکت کدامند؟

#### ۱.۶. فرضیه تحقیق

برخی از اشخاص، زمان ها و مکان ها و ... هستند که در آیات و روایات با لفظ مبارک توصیف شده اند که خود مصادیقی از برکت به شمار می آیند.

و تعدادی از عوامل مادی و معنوی مانند: صلح رحم، تقوا، نیکی و احسان به خلق و ... موجب برکت خواهد شد و همچنین موانعی مانند گناه، بخل، عدم پرداخت زکات و ... مانع برکت در زندگی می گردد.

## **۱.۷. روش تحقیق**

این عنوان تحقیقی، کاربردی و از نظر ابزاری کتابخانه ای می باشد.

## **۱.۸. ساختار تحقیق**

این تحقیق از دو بخش تشکیل شده است بخش اول کلیات و مفهوم شناسی است که شامل دو فصل می باشد. و بخش دوم در قالب ادبیات تحقیق مشتمل بر سه فصل می باشد: فصل اول کاربرد واژه برکت، فصل دوم عوامل برکت و فصل سوم موانع برکت را شامل می شود.

## **۱.۹. واژگان کلیدی**

برکت: برکت خیر فراوانی است که با رشد و نمو تقارن دارد و عرف چیزی را دارای برکت می داند که از آن استفاده ی فراوان و مداوم شود.

برکت مادی: به معنای زیادتی و نمو و استمرار داشتن و ماندگار بودن شیء است.

برکت معنوی: عبارت است از توجّهات و رحمت های روحانی که موجب گشایش و خوشی روح و وسعت قلبی و نورانیت دل (نورانیت باطنی) و استفاضه از فیوضات الهی می گردد.

#### ۱.۱۰. محدودیتها وموانع تحقیق

۱. عدم دسترسی به منابع مورد نظر و کتابخانه های غنی.
۲. کمبود امکانات در منطقه و همچنین کمبود وقت به دلیل تداخل با واحدهای درسی دیگر.

# **بخش اول: فصل دوم**

## **فصل دوم: مفهوم شناسی**

واژه برکت از مفاهیمی است که در قرآن و معارف اسلامی کاربرد بسیاری دارد و در گستره‌ی عبارات و اصطلاحات ارزشی واژه‌ای چشمگیر می‌باشد به طوری که در قرآن کریم مشتقات «بَرک» در آیات گوناگون به صورت‌های مختلف بیان شده تا اهمیت آن در حیات انسان‌ها ترسیم گردد و افزون بر آن همه‌ی دین باوران، مقدمات تجلی آن را در زندگی مادی و معنوی خود فراهم سازند. بنابراین لازم است در ابتدا مفهوم این واژه به طور کامل روشن شود تا هم بتوان زمینه‌ی ایجاد برکت را در زندگی پیاده نمود و هم با عوامل برکت زدا بیشتر آشنا شد.

## ۲.۱. مفهوم شناسی واژه برکت

از واژه‌های بسیار مهم مورد بحث واژه‌ی «برکت» است که لازم است معنای آن روشن گردد.

### ۲.۱.۱. مفهوم لغوی واژه برکت

این واژه از ریشه‌ی (ب ر ک) و به سه معنا به کار رفته است:

۱. برک البعیر: شتر سینه بر زمین زد و خوابید.<sup>۱</sup>

۲. ثابت ماندن چیزی.<sup>۲</sup>

۳. زیادتی و نمو.<sup>۳</sup>

بعضی، اصل این واژه را عربی نمی‌دانند و معتقدند فعل «بَرک» که برای زانو زدن شتر به کار می‌رود، مشترک بین همه‌ی زبان‌های سامی است و پس از رواج در زبان‌های سامی شمالی، این ریشه

---

<sup>۱</sup> - ابراهیم انیس و دیگران، معجم الاوسط، محمد بندر ریگی، ج ۱، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴ ه. ش، ص ۱۰۸.

<sup>۲</sup> - احمد بن فارس، معجم المقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، ج ۱، قم: مکتب الاعلام اسلامی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۳۱-۲۲۷.

<sup>۳</sup> - خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۳۶.

معنای برکت دادن پیدا کرده و از آن جا به ناحیه ی زبان های سامی جنوبی رسیده و به این ترتیب در زبان های دیگر مثل عربی معانی نزدیک به هم یافته است.<sup>۱</sup>

صاحب قاموس برکت را نمو، زیادت، سعادت و فایده ی ثابت و بروک را ثبوت معنا کرده و می گوید: «بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ<sup>۲</sup> یعنی شرف و کرامت آن ها را همیشه کن.»

ابن منظور نیز از جمله کسانی است که برکت را به معنای زیادتی و نمو می داند و سپس نقل می کند که برخی برکت را به معنای سعادت و برخی نیز آن را به معنای علو و برتری دانسته اند.<sup>۳</sup>

راغب در مفردات گفته: برکت یعنی ثبوت خیر الهی در امور. همچنین ایشان برکت را مشتق از برکه به معنای جایگاه استقرار و ثبات آب می داند و معتقد است برکت را از آن رو برکت نامیده اند که خیر در آن ثابت است همانند ثبوت آب در برکه.<sup>۴</sup>

تبارک الله از آن جهت گفته می شود که فایده های ثابت در خدا و از خداست با بلندی مقام.<sup>۵</sup>

تبارک الله به معنای تمجید و تجلیل نیز گفته شده است.<sup>۶</sup>

---

<sup>۱</sup> رضا محمد زاده، عباس گوهری، محمد جانی پور، مقاله بررسی مفهومی و مصداقی برکت از دیدگاه قرآن کریم (برکت ۱)، ساعت ۹:۲۰، ۱۳۹۲/۸/۱۵، [www.Noormagz.com](http://www.Noormagz.com).

<sup>۲</sup> - علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، چاپ هشتم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸، ص ۱۸۹.

<sup>۳</sup> - محمدبن مکرم بن منظور، لسان العرب، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۰۸ ق، ص ۳۸۷.

<sup>۴</sup> حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی الفاظ القرآن الکریم، چاپ چهارم، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۸۳، ص ۱۱۹.

<sup>۵</sup> - علی اکبر قرشی، همان، ص ۱۸۹.

<sup>۶</sup> - خلیل بن احمد فراهیدی، همان، ص ۳۳۶.

و تَبَرُّكٌ بِهٖ اٰی: تَيْمَنَةٌ بِهٖ: تَبَرُّكٌ جَسْتَمٌ بِهٖ اَوْ؛ بِهٖ وَسِيْلَةٌ اَوْ يَمَنٌ وَ بَرَكَةٌ يَافَتْمْ.<sup>۱</sup>

تبریک یعنی دعا و طلب برکت برای یکدیگر.<sup>۲</sup>

به طور کلی می توان گفت برکت به معنای ثبات و استمرار داشتن و یا زیادتی و نمد می باشد که در موارد مختلف مادی یا معنوی، متفاوت معنا می شود.

## ۲.۱.۲. معنای اصطلاحی واژه برکت

واژه برکت در اصطلاح قرآنی و دینی از پر کاربردترین اصطلاحات در شاخه های فرهنگ اسلامی است که متناسب با معنای لغوی آن به معنای پدید آمدن خیر الهی در کارها می باشد و در کتب دیگر مثل تورات و انجیل نیز به کار رفته است.

شهید مطهری (رحمه الله علیه) می فرماید: «برکت فزونی خیر است یعنی خیر زیادی که در چیزی ثابت و مستقر گشته است و وقتی می گوئیم بارک الله لک یعنی اینکه خداوند خیر را درباره تو افزون گرداند و خیری که به تو می رساند زیاد گردد.»<sup>۳</sup>

علامه طباطبایی نیز می فرماید: «برکت در حقیقت خیری است که در چیزی پایدار و همراه آن است.»<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> - اسماعیل بن حمّار الجوهري، تاج اللغة و صحاح اللغة، احمد بن عبدالغفور عطار، ج ۳، بی جا، انتشارات امیری، ۱۳۶۸، ص ۱۰۷۵.

<sup>۲</sup> - خلیل بن احمد فراهیدی، همان، ص ۳۳۸ - ۳۳۶.

<sup>۳</sup> - رضا محمد زاده، عباس گوهری، محمد جانی پور، مقاله بررسی مفهومی و مصداقی برکت از دیدگاه قرآن کریم (برکت ۱)، ساعت ۹:۲۰، ۱۳۹۲/۸/۱۵، [www.Noormagz.com](http://www.Noormagz.com).

<sup>۴</sup> - محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۳۸۷.

بنابراین می توان گفت: برکت خیر فراوانی است که با رشد و نمو تقارن دارد و عرف چیزی را دارای برکت می داند که از آن استفاده ی فراوان و مداوم شود.<sup>۱</sup> بنابراین می توان نتیجه گرفت که برکت در اصطلاح قرآنی و دینی، به همان معنای لغوی برکت می باشد.

## ۲.۲. انواع برکت

۲.۲.۱. برکت مادی، که به معنای زیادتی و نمو و استمرار داشتن و ماندگار بودن شی است.<sup>۲</sup>

۲.۲.۱.۱. برکت در رزق و روزی؛ بسیاری از عوامل مادی و معنوی در آیات و روایات ذکر شده که موجب برکت در رزق مادی انسان ها می شود به عنوان نمونه می توان به آیه ۱۷ سوره تغابن اشاره کرد:

«إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ؛ اگر به خدا قرض الحسنه دهید آن را برای شما مضاعف می سازد، و شما را می بخشد و خداوند شکر کننده و بردبار است.»

که برخی از مفسران<sup>۳</sup> «يُضَاعِفُهُ» را برکات دنیایی و مادی تفسیر کرده اند و یا روایاتی مانند اینکه حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «بَرَكَهُ الْمَالِ فِي الصَّدَقَةِ؛ برکت مال در صدقه دادن است.»

---

<sup>۱</sup> رضا محمد زاده، عباس گوهری، محمد جانی پور، مقاله بررسی مفهومی و مصداقی برکت از دیدگاه قرآن کریم (برکت ۱)، ساعت ۹:۲۰، ۱۳۹۲/۸/۱۵، [www.Noormagz.com](http://www.Noormagz.com).

<sup>۲</sup> - خلیل بن احمد فراهیدی، همان، ص ۳۳۶

<sup>۳</sup> - عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸، ص ۴۷.

<sup>۴</sup> عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۱۲.

۲.۲.۱.۲. برکت در عمر: در بعضی روایات به طور صریح برکت عمر ذکر شده مانند اینکه حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «ای فرزند آدم، به والدینت نیکی کن و صله رحم داشته باش تا خداوند ... عمرت را طولانی گرداند.»<sup>۱</sup>

و یا اینکه حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «برکت عمر نیکوکاری است.»<sup>۲</sup>

البته برکت در عمر هم می تواند مادی باشد، و هم معنوی. چرا که انسان با طولانی شدن عمر خود هم می تواند بهره وری مادی داشته باشد و هم معنوی.

۲.۲.۲. برکت معنوی، که عبارت است از توجهات و رحمت های روحانی که موجب گشایش و خوشی روح و وسعت قلبی و نورانیت دل (نورانیت باطنی) و استفاضه از فیوضات الهی می گردد.<sup>۳</sup>

۲.۲.۲.۱. برکت در رزق معنوی؛ همانطور که می دانیم رزق بر دو نوع است رزق ظاهری و مادی برای بدن ها و رزق باطنی و معنوی برای قلوب و نفوس مانند معارف و علوم و توفیق عبادات.

در آیه ای از قرآن کریم می خوانیم: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا\* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند. و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد، و هر کس بر خداوند توکل کند کفایت امرش را می کند.»

---

<sup>۱</sup> محمد محمدی ری شهری، خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث، جواد محدثی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۷، ص ۳۳۶.

<sup>۲</sup> فضل بن حسن طبرسی، نثر اللآلئ، ترجمه شیخی، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۴ ش، ص ۵۴.

<sup>۳</sup> - حسن مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۹، تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ ش، ص ۷۱.

<sup>۴</sup> - طلاق (۶۴)، آیه ۳ - ۴.

که طبق تفسیر مفسران<sup>۱</sup> رزق در این آیه هر دو معنای رزق را شامل می شود. در دعاها نیز می خوانیم:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ»

۲۰۲۰۲۰۲. برکت در پاداش؛ چه بسا اعمالی کوچک پاداش هایی پر برکت را در پی خواهند داشت. مانند زیارت قبور ائمه (علیهم السلام) که در بعضی روایات پاداشی برابر هزار حج و هزار عمره مقبول دارد.<sup>۲</sup>

یا اینکه مثلاً در حدیثی از حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) داریم که: «أَكْثَرُوا مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَى يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَإِنَّهُ يُضَاعَفُ فِيهِ الْأَعْمَالُ»<sup>۳</sup> در روز جمعه زیاد بر من صلوات بفرستید چرا که جمعه روزی است که پاداش کارها چند برابر می شود.»

---

<sup>۱</sup> فاضل مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۴، چاپ بیست و یک، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲، ص ۳۷۴.

<sup>۲</sup> - جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ترجمه ذهنی تهرانی، تهران: انتشارات پیام حق، ۱۳۷۷، ص ۴۶۸.

<sup>۳</sup> - محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریة، ۱۳۸۶، ص ۶۰.

**بخش دوم: ادبیات تحقیق**

**فصل اول: کاربرد واژه برکت**

**فصل دوم: عوامل برکت**

**فصل سوم: موانع برکت**

# بخش دوم: فصل اول

## فصل اول: مصادیق برکت

۱.۱. افراد

۱.۲. مکان ها

۱.۳. زمان ها

۱.۴. خوراکی ها

در آیات و روایات نمونه هایی از اشخاص، پدیده ها، زمان ها و مکان ها با عنوان مبارک یاد شده که در واقع، آن ها خود، مصداق برکت می باشند و علما بر پایه ی معنای «ثبوت» یا «فزونى خیر» که

برای برکت بازگو شد چگونگی برکت را در این مصادیق توضیح داده اند که به نمونه هایی از آن ها اشاره می شود:

## ۱.۱. افراد

با جستجو و بررسی در آیات و روایاتی که در باب افراد و اشخاص وارد شده، به مستندات برمی خوریم که بارزترین آن ها انبیاء از جمله پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ذریه ایشان، ائمه اطهار (علیهم السلام)، شیعیان (مومنان) و دختران می باشد که در اینجا به طور اجمالی به بیان آنها می پردازیم.

### ۱.۱.۱. انبیاء

#### ۱.۱.۱.۱. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ذریه ایشان

در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) در توصیف رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است:

«نامش مبارک بود محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) برگزیده ی پسندیده ... از سوی خداوند بود.»<sup>۱</sup>

و در جای دیگر در وصف ایشان می فرمایند: «كَانَ بَرَكَةً...»<sup>۲</sup>؛ برکتی بود...»

برکتی بود و مسلماً برکت ایشان نه تنها برای خانواده و قوم خود و یا حتی برای مسلمانان بلکه برای همه مردم بود. چنانچه مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

«همان که پیشوا و رهبر خیر و دعوت کننده به آن و مایه برکت بر همه بندگان و شهرها و رحمتی

برای جهانیان است.»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، تهران: موسسه الطبع و النشر فی وزاره الارشاد الاسلامی،

۱۴۱۰ق، ص ۳۹۷.

<sup>۲</sup> - محمد بن علی بن بابویه، الامالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶، ص ۳۹۷.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «خداوند چون پیامبرش را به معراج برد ... به او وحی فرمود: «ای محمد بر خود و خاندانت درود فرست.»

حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «درود خدا بر من و خاندانم! و...»

آنگاه خداوند به او وحی کرد که: «سلام و درود و رحمت و برکات تویی و فرزندان تو هستند.»<sup>۲</sup>

#### ۱.۱.۱.۲. حضرت عیسی (علیه السلام)

خداوند درباره عیسی (علیه السلام) می فرماید:

«وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»<sup>۳</sup> و مرا وجودی پر برکت قرار داده در هر کجا باشم، و مرا توصیه به نماز و زکات مادام که زنده‌ام کرده است.» و مرا معلم و وجود مرا سبب خیر و برکت و تعلیم کننده ی افعال خیر و هدایت قرار داد.»

راهنمای خیر و راهنمای هر فایده گردانید به طوری که در راه ایمان ثابت و پایدار هستم.<sup>۴</sup>

و مرا سود رسان و نشانه ی خیر و خوبی و نسبت به نعمت وجودش سپاسگذار ساخت.<sup>۱</sup> حضرت

عیسی (علیه السلام) در هر جا که بود، به برکت قدم وی باران می بارید و خیر و نفع نمو می کرد.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - محمد بن الحسن طوسی، تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ص ۸۳، ح ۲۳۹.

<sup>۲</sup> - محمدتقی بن مقصود علی مجلسی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج ۴، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۲۱.

<sup>۳</sup> - مریم (۱۹)، آیه ۳۱.

<sup>۴</sup> - حسن بن فضل طبرسی، مجمع البیان در تفسیر قرآن، رضا ستوده، ج ۱۵، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰، ص ۱۶۵.

چیزی با برکت است که در آن منفعت زیاد، تعلیم و تأدیب دیگران و باثبات باشد. حضرت عیسی (علیه السلام) هم عمر با برکتی دارد و تا بعد از ظهور امام زمان (عج) زنده است و هم پیروانش بسیارند.<sup>۳</sup> و خلاصه خداوند به حضرت مسیح برکات زیادی غیر از مقام نبوت و رسالت و اولوالعزمی عنایت فرمود.<sup>۴</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در تفسیر این آیه می فرماید:

«مرا هر کجا که باشم مبارک قرار داد یعنی معلم و تربیت کننده قرار داد.»<sup>۵</sup>

البته عنوان (لفظ) برکت برای انبیاء دیگر نیز در قرآن به کار رفته ولی نه اینکه آنها خود مصداق برکت باشند به طور مثال در آیه ۴۸ سوره هود آمده که: «قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَيْكَ؛ (به نوح) گفته شد: ای نوح! با سلامت و برکت از ناحیه ما بر تو و بر تمام امتهایی که با هستید، فرود آی.»

## ۱.۱.۲. ۱. ائمه

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در وصف اهل بیت و برکت آنان می فرماید:

---

<sup>۱</sup> - فضل بن حسن طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷، ص ۳۸.

<sup>۲</sup> - فتح الله کاشانی، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۵، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶، ص ۴۰۲.

<sup>۳</sup> - محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۷، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۳، ص ۲۶۲.

<sup>۴</sup> - عبدالحسین طیب، همان، ج ۸، ص ۴۳۶.

<sup>۵</sup> - محمد محمدی ری شهری، خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث، همان، ص ۴۶۳، ح ۹۲۸.

«به سبب آنان سرزمین خدا آباد می شود و به خاطر آنان، بندگان خدا روزی می برند و به سبب آنان، خداوند از آسمان باران می فرستد و برکت های زمین را می رویاند.»<sup>۱</sup>

همچنین احادیثی از ائمه (علیهم السلام) وارد شده که اهل بیت را دودمان برکت خوانده اند و فرموده اند: برکاتی که بر اهل زمین است به واسطه ایشان می باشد از جمله امام زین العابدین در حدیثی می فرماید: «ما پیشوایان مسلمانان، و حجت های خدا بر جهانیان هستیم به خاطر ما، باران می بارد و باد رحمت می وزد و برکت های زمین می روید.»<sup>۲</sup>

و در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) است که می فرمایند: «ما خاندان رحمت و خانواده نعمت و دودمان برکتیم.»<sup>۳</sup>

در زیارت جامعه اینگونه ائمه (علیهم السلام) را خطاب قرار داده و می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى مَحَالِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ؛ سلام بر جایگاه های معرفت خدا و قرارگاه های برکت خدا...»<sup>۴</sup>

درباره ی امام جواد (علیه السلام) در روایتی از ابویحییای صنعاتی وارد شده که:

در محضر امام رضا (علیه السلام) بودم فرزندش حضرت جواد (علیه السلام) را که کوچک بود آوردند فرمود:  
«این مولودی است که مولودی با برکت تر از او برای شیعیان ما به دنیا نیامده است.»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵، ص ۲۶۰.

<sup>۲</sup> - محمد بن علی بن بابویه، الامالی، همان، ص ۲۲۰.

<sup>۳</sup> - هاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، قم: بعثت، ۱۳۷۴، ص ۳۶۸.

<sup>۴</sup> - محمدبن الحسن طوسی، تهذیب الاحکام، همان، ج ۶، ص ۹۶، ح ۱۷۷.

بررسی موضوع و ملاحظه شواهد و قرائن نشان می دهد که به ظاهر مقصود از این حدیث این است که تولد حضرت جواد (علیه السلام) در شرایطی صورت گرفت که خیر و برکت خاصی برای شیعیان به ارمغان آورد بدین معنا که دوران امامت امام رضا (علیه السلام) دوران ویژه ای بود. زیرا از یک سو گروهی که بعدها به واقفیه معروف شدند. امامت حضرت امام رضا (علیه السلام) را انکار کردند و از سوی دیگر امام رضا (علیه السلام) تا حدود چهل و هفت سالگی دارای فرزند نشده بود. و فقدان فرزند برای امام رضا (علیه السلام) هم امامت خود آن حضرت و هم تداوم امامت را زیر سوال می برد...<sup>۲</sup>

### ۱.۱.۳. شیعیان (مومنان)

حضرت علی (علیه السلام) در حدیثی می فرماید: «شِيعَتُنَا الْمُتَبَاذِلُونَ فِي وِلَايَتِنَا ... بَرَكَهٌ عَلَيَّ مَنْ جَاوَرُوا وَ سَلِمَ لِمَنْ خَالَطُوا»<sup>۳</sup> پیروان ما آنانند که در راه ولایت ما بخشش می کنند و ... برای همسایگانشان مایه ی برکت اند و نسبت به همنشینان خود با صفایند.»

در کمال الدین از حضرت ابوجعفر امام محمد باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «زمانی بر مردم فرا می رسد که امام آنها از نظرشان غایب می شود. خوشا به حال آن کسانی که در آن زمان بر امر ما ثابت بمانند.» کمترین چیزی که از ثواب به آنها می رسد اینکه خداوند آنان را ندا می کند و می فرماید: «ای بندگان و کنیزان من؛ به سر من ایمان آورید و غیب مرا باور داشتید پس ... از شما می

<sup>۱</sup> - محمدبن محمد مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۷۹.

<sup>۲</sup> - مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، چاپ نوزدهم، قم: موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۶، ص ۵۳۱-۵۳۰.

<sup>۳</sup> - نعمان بن محمد بن حیون، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، ج ۳، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

۱۴۰۹، ص ۵۰۴.

پذیریم و شما را عفو می‌کنم و گناهانتان را می‌آمرزم و به سبب شما باران به بندگانم می‌رسانم و بلا را از ایشان دفع می‌کنم اگر شما نبودید عذاب خود را بر آنان نازل می‌کردم»<sup>۱</sup>

و مسلم است که شیعیان و مومنان به دلیل هم‌رنگی و هماهنگی با امامان معصوم (علیه السلام) در عقاید حقه و اخلاق حسنه و اعمال نیک، ارزش یافته‌اند.<sup>۲</sup>

امام باقر (علیه السلام) در سخنی کوتاه می‌فرماید: «همانا مومن برای مومن باعث برکت (و بسیاری نعمت) است»<sup>۳</sup>

#### ۱.۱.۴. دختران

روایات بسیاری دال بر این است که وجود فرزند دختر، در خانه مایه برکت است.<sup>۴</sup> رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌فرماید: «نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلَطِّفَاتٌ مُجَهِّزَاتٌ مُؤْنِسَاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُفْلِحَاتٌ»<sup>۵</sup> دختران خوب خوب فرزندانی‌اند؛ دارای عاطفه، مددکار و آماده به کار دارای برکت و علاقمند به پاکیزگی.»

وجود دختر در خانه «رحمت خدایی» است و از آنجا که رحمت پیشکش خداوند منان به بنده‌ی خود بوده است، در مورد آن، هیچ سخنی در روز محشر به میان نمی‌آید.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - محمدتقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، مهدی حائری قزوینی، ج ۱، چاپ دوم، بی‌جا: ایران نگین، ۱۳۸۱، ص ۱۶۸.

<sup>۲</sup> - عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیاه، محمدحسین فلاح زاده و دیگران، چاپ صد و دهم، قم: اسراء، ۱۳۹۲، ص ۵۲۹.

<sup>۳</sup> - عده‌ای از علماء، الاصول الستة عشر، قم: موسسه دارالحدیث الثقافیه، ۱۳۸۱، ص ۲۱۶.

<sup>۴</sup> - حسین انصاریان، نظام خانواده در اسلام، چاپ بیست و هشتم، قم: ام ابیها، ۱۳۸۶، ص ۴۲۴.

<sup>۵</sup> - محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق، ص ۳۳۶.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در جایی دیگر فرموده اند: «رحمت خدا بر پدری که دارای دخترانی است! دختران دارای برکت و دوست داشتنی اند... دختران باقیات الصالحات (بازماندگان شایسته) اند.»<sup>۲</sup>

همان بزرگوار، در حدیثی دیگر در مورد برکات و حسنات دختران در منزل فرمود: «هیچ خانه ای نیست که در آن چندین دختر باشد مگر اینکه هر روز دوازده برکت و رحمت از آسمان در آن خانه نازل می شود.»<sup>۳</sup>

## ۱.۲. مکان ها

همانطور که ذکر شد برخی از مکان ها نیز خود، مصداق برکت می باشند که موجب فزونی برکت در زندگی می گردند که در اینجا به مهم ترین آن ها اشاره می شود.

### ۱.۲.۱. کعبه

خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَلَدًا مَبَارَكًا»<sup>۴</sup>

بیت الله الحرام، این حرم امن الهی ویژگی ها و اوصاف و مزایایی معنوی دارا می باشد. یکی از این ویژگی ها که مورد بحث ماست، «منشأ برکت و هدایت» می باشد. به این صورت که کعبه اولین

---

<sup>۱</sup> - احمد لقمانی، بهترین آرزوهای زندگی، چاپ دوم، قم: بهشت بینش، ۱۳۸۵، ص ۲۶۳.

<sup>۲</sup> - حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق، ص ۱۱۵.

<sup>۳</sup> - محمد بن محمد شعیری، همان، ص ۱۰۵.

<sup>۴</sup> - آل عمران (۳)، آیه ۹۶.

خانه ای است که در سرزمین مبارک مکه به عنوان معبد همگانی بنیان نهاده شده، پس منشأ برکات و وسیله ی هدایت جهانیان می باشد.<sup>۱</sup>

کعبه از این جهت مبارک است که هم از لحاظ معنوی و هم از لحاظ مادی، در یکی از پر برکت ترین سرزمین های جهان است و با اینکه سرزمین خشک و بی آب و علفی است و از نظر طبیعی به هیچ وجه مناسب شرایط زندگی نیست، این شهر در طول تاریخ همواره یکی از شهرهای آباد و پر تحرک و یک مرکز آماده برای زندگی و حتی برای تجارت بوده است.<sup>۲</sup>

ثواب مضاعف عبادت و نیز آمرزش گناهان در کنار کعبه نیز از نشانه های مبارک بودن آن می باشد.<sup>۳</sup>

بر اساس آیه فوق، سرزمین مکه هم شهری پر برکت و مبارک است و هم این که موجب هدایت عالمیان می شود به همین دلیل عده ای لفظ مبارک را به برکات دنیوی و مادی و لفظ هدایت را به برکات اخروی تعبیر کرده اند.<sup>۴</sup>

البته خداوند سبحان، خود ثابت و دائم و خیر او نیز جهانیان را شامل می شود لیکن در اطراف کعبه این خیر فراوان تر و پایدارتر است از این جهت آن را به صفت برکت ستایش نموده است. «مُبَارَكًا»<sup>۵</sup>

## ۱.۲.۲. مسجد کوفه

<sup>۱</sup> - عبدالله جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن کریم، ج ۶، چاپ هفتم، قم: اسراء، ۱۳۸۶، ص ۵۵۱.

<sup>۲</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۳، ص ۲۹.

<sup>۳</sup> - عبدالله جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن کریم، همان، ج ۶، ص ۵۶۸.

<sup>۴</sup> - رضا محمد زاده، عباس گوهری، محمد جانی پور، مقاله بررسی مفهومی و مصداقی برکت از دیدگاه قرآن

کریم، ساعت ۹:۲۰، ۱۳۹۲/۸/۱۵، [www.Noormagz.com](http://www.Noormagz.com)

<sup>۵</sup> - عبدالله جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن کریم، همان، ج ۶، ص ۵۶۷.

کوفه یکی از آن چهار سرزمین است که حق تعالی آن را اختیار فرموده و طور سینین تفسیر به آن شده،<sup>۱</sup> به طوری که در تفسیر نمونه به کوه پر برکت معنا شده است.<sup>۲</sup>

حضرت علی (علیه السلام) در فضیلت مسجد کوفه می فرماید:

«با نماز خواندن در آن به خداوند تقرب بجوئید و در برآمدن حاجات خود به آن رغبت نشان دهید. اگر مردم می دانستند چه برکتی در آن است، از اطراف زمین به سوی آن می شتافتند هرچند با خزیدن بر روی برف و یخ!»<sup>۳</sup>

یک درهم تصدق در کوفه به صد درهم حساب می شود و خواندن نماز واجب در مسجد کوفه، با هزار نماز برابری می کند و خواندن نافله در آن با پانصد نماز مقابل است و نشستن در مسجد کوفه بدون ذکر و تلاوت، عبادت است.<sup>۴</sup>

### ۱.۲.۳. مسجد الاقصی

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»<sup>۵</sup> پاک و منزه است خدایی که بنده اش را در یک شب از مسجد الحرام به مسجد اقصی که گرداگردش را پر برکت ساختیم برد، تا آیات خود را به او نشان دهیم او شنوا و بیناست.»

<sup>۱</sup> - عباس قمی، مفاتیح الجنان، موسوی دامغانی، چاپ سیم، تهران: قدیانی، ۱۳۷۳، ص ۶۳۳.

<sup>۲</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۲۷، ص ۱۴۰۹.

<sup>۳</sup> - محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۳۲، ح ۶۹۶.

<sup>۴</sup> - عباس قمی، همان، ص ۶۳۴.

<sup>۵</sup> - اسراء (۱۷)، آیه ۱.

در این آیه ی شریفه منظور از (بَارَكْنَا حَوْلَهُ) بیان اوصاف بیت المقدس است که شامل جمیع برکات دنیا و آخرت است، برکات دین. زیرا عبادتگاه انبیاء و محل نزول وحی بوده، برکات دنیا چون که محل نهرهای جاری و درختان بسیار پر ثمر و میوه جات فراوان است.<sup>۱</sup>

مسجد الاقصی افزون بر اینکه خود سرزمین مقدسی است پیرامون آن نیز سرزمین مبارک و پر برکتی است و این ممکن است اشاره به برکات ظاهری آن بوده باشد، چرا که در منطقه ای سرسبز و خرم و مملو از درختان و آب های جاری و آبادیها واقع شده است. و نیز امکان دارد اشاره به برکات معنوی آن بوده باشد، چرا که این سرزمین مقدس در طول تاریخ کانون پیامبران بزرگ خدا، و خاستگاه نور توحید و یکتاپرستی بوده است.<sup>۲</sup>

#### ۱.۲.۴ . فلسطین و شام

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا ...»<sup>۳</sup> میان آنها و سرزمینهایی که برکت داده بودیم شهرها و آبادیهای آشکار قرار دادیم...»

آیت الله مکارم شیرازی ذیل این آیه می فرماید: «سرزمین آنها را تا آن حد آباد کردیم که نه تنها شهرهایشان را غرق نعمت ساختیم، بلکه میان آنها و سرزمین هایی را که برکت به آن داده بودیم شهرها و آبادیهایی آشکار قرار دادیم.»<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> - نصرت امین اصفهانی، همان، ص ۲۶۶.

<sup>۲</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۱۲، ص ۱۰.

<sup>۳</sup> - سبأ (۳۴)، آیه ۸.

<sup>۴</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۱۸، ص ۶۳.

منظور از قرایی که فرموده: در آن برکت نهادیم، قرای شام است.<sup>۱</sup>

در جایی دیگر در قرآن می فرماید: «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا...»<sup>۲</sup> و مشرقها و مغربهای پربرکت زمین را به آن قوم تضعیف شده (زیر زنجیر ظلم و ستم) واگذار کردیم.»

سرزمین‌هایی که در اختیار فرعونیان بود، در ضمن اینکه فوق العاده وسیع بود. دارای محصولات و برکات مادی و معنوی بسیاری نیز بود، زیرا محلّ بعثت انبیای الهی و مدفن بسیاری از آنان بود.<sup>۳</sup>

به هر حال مراد از ارض سرزمین شام و فلسطین است و جمله ی بعدی که می فرماید: «الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا» این معنا را تأکید می کند چرا که خداوند غیر از سرزمین مقدس که همان نواحی فلسطین است و غیر از کعبه هیچ سرزمینی را به برکت یاد نکرده است.<sup>۴</sup>

و «الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا» اشاره به آبادی فوق العاده این منطقه یعنی مصر و شام است که از روزگار قدیم تاکنون از مناطق پر برکت دنیا محسوب می شود.<sup>۵</sup>

«وَوَجَّيْنَاهُ وَ لُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ»<sup>۶</sup> و او و لوط را به سرزمین (شام) که آن را برای همه جهانیان پر برکت ساختیم نجات دادیم.»

---

<sup>۱</sup> - محمد حسین طباطبایی، المیزان، محمدباقر موسوی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۵۵۰.

<sup>۲</sup> - اعراف (۷)، آیه ۱۳۷.

<sup>۳</sup> - محسن قرائتی، تفسیر نور، همان، ج ۴، ص ۱۶۱.

<sup>۴</sup> - محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۸، ص ۲۹۲.

<sup>۵</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۶، ص ۳۲۸.

<sup>۶</sup> - انبیاء (۲۱)، آیه ۷۱.

در این آیه نیز منظور از این سرزمین، سرزمین شام است که شامل فلسطین و اردن و سوریه و لبنان بوده.<sup>۱</sup>

«وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا؛<sup>۲</sup> و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم که به فرمان او به سوی سرزمینی که آن را پربرکت کرده بودیم حرکت می کرد.»

یعنی ما باد را هم برای سلیمان مسخر کردیم، بادهای تند را، که به دستور او به سوی سرزمینی که ما مبارکش کردیم جریان می یافت و مقصود از آن، سرزمین شام است.<sup>۳</sup>

## ۱۰۲۰۵. وادی مقدس طوی

خداوند در قرآن می فرماید:

«فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ...؛<sup>۴</sup> همین که نزدیک آتش رسید صدایی از کرانه رود از طرف راست از درختی که در قطعه زمینی مبارک واقع بود برخاست که ای موسی به درستی من خدای رب العالمینم.»

«بقعه مبارکه» قطعه و نقطه مخصوصی است از کناره سمت راست وادی که نسبت به اطرافش مشخص است و در آن درختی قرار داشته که ندای یا موسی از آن درخت برخاسته، و مبارک بودنش به

---

<sup>۱</sup> - محمد صادق تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱۹، چاپ دوم، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۱.

<sup>۲</sup> - انبیاء (۲۱)، آیه ۸۱.

<sup>۳</sup> - محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۱۴، ص ۴۴۲.

<sup>۴</sup> - قصص (۲۸)، آیه ۳۰.

این جهت است، که ندای الهی و تکلم او با موسی در آن جا واقع شد، و از این راه شرافتی به دست آورد.<sup>۱</sup>

### ۱.۳. زمان ها

#### ۱.۳.۱. شب قدر

شب قدر، از زمان های بسیار مبارکی است که قرآن در آن شب بر قلب پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده است.

خداوند در قرآن می فرماید:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ»<sup>۲</sup> که ما آن را در شبی پربرکت نازل کردیم، ما همواره انذار کننده بوده ایم.»

مقصود از لیله مبارکه در آیه شریفه شب قدر است که در سوره قدر به آن اشاره شده است.<sup>۳</sup> و منظور از مبارک بودن آن شب این است که ظرفیت خیر کثیری را دارا می باشد، چون برکت به معنای خیر کثیر است، و قرآن خیر کثیری است که در آن شب نازل شده و رحمت و اسعهای است که گستره اش تمامی موجودات را فرا گرفته، همچنان که خودش فرموده: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> - محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۱۶، ص ۴۴.

<sup>۲</sup> - دخان (۴۴)، آیه ۳.

<sup>۳</sup> - نصرت امین اصفهانی، همان، ج ۱۲، ص ۶۱.

<sup>۴</sup> - محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۱۶، ص ۴۴.

آن شب، شب قدر نامیده شده به جهت اینکه تقدیرات انسان ها در آن شب رقم می خورد. و از امام محمد باقر (علیه السلام) و امام جعفر صادق (علیه السلام) چنین نقل می کنند که مقصود از (لَيْلَةُ مُبَارَكَةٍ) همان شب قدر است.<sup>۱</sup>

آری عظمت و موقعیت آن شب و سود و بهره ی معنوی و اجر و پاداش اخروی در آن شب از سی هزار شب برتر و بالاتر است<sup>۲</sup> به طوری که در روایات آمده است: «الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»<sup>۳</sup> کار نیک در شب قدر بهتر از کار نیک در هزار ماه بدون شب قدر است.»

و نیز در وصف قرآن کریم می خوانیم: «وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ؟» و این (قرآن) ذکر مبارکی است که (بر شما) نازل کردیم آیا آن را انکار می کنید؟!»

قرآن کانون برکت است و خیر دنیا و آخرت در آن وجود دارد و سرچشمه ی همه پیروزی ها و خوشبختی ها می باشد پس چرا انکار می کنید؟<sup>۴</sup>

قرآن ذکری است ثابت و دائم و دارای برکات کثیر، که هم مومن از آن بهره مند می شود و هم آسایش کافر را در جامعه ی بشری تأمین نموده است و خلاصه همه ی اهل دنیا از آن منتفع می گردند.<sup>۵</sup>

---

<sup>۱</sup> - نصرت امین اصفهانی، همان، ج ۱۸، ص ۱۹۷.

<sup>۲</sup> - حسین انصاریان، دیار عاشقان، همان، ج ۷، ص ۴۲۶.

<sup>۳</sup> - محمدتقی مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط القدیمة)، ج ۳، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ ق، ص ۴۴۰.

<sup>۴</sup> - انبیاء (۲۱)، آیه ۵۰.

<sup>۵</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۱۳، ص ۴۲۵.

<sup>۶</sup> - محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۱۴، ص ۴۶۸.

قرآن خیر کثیری است که در شب قدر نازل شده و رحمت واسعه ای است که گستره اش تمام موجودات را فرا گرفته است.<sup>۱</sup>

این قرآن کتابی است برکت داده شده یعنی کتابی است بسیار پر خیر و منفعت تا در آن تدبر کنند و اندیشه نمایند.<sup>۲</sup>

## ۱.۳.۲. روز جمعه

شب و روز جمعه نسبت به سایر اوقات و ایام، امتیاز ویژه ای را دارا می باشد و اگر انسان بتواند، سزاوار است که شب جمعه را به وسیله نماز و دعا تا صبح شب زنده داری کند و در عبادت خداوند کوتاهی نکند چرا که خداوند ثواب طاعت و عبادت را در شب و روز جمعه مضاعف نموده و عقوبت گناهان را محو می کند و در دنیا و آخرت درجات مومنان را بلند می گرداند.<sup>۳</sup>

حضرت علی (علیه السلام) در توصیف روز جمعه می فرماید: «فِيهِ سَاعَةٌ مُبَارَكَةٌ لَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ فِيهَا شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ؛<sup>۴</sup> در آن روز ساعتی پر برکت است که هیچ بنده ی مومنی، در آن ساعت چیزی از خداوند نمی خواهد مگر آن که به او عطا می کند.» نام مبارک جمعه در آیه ی نهم سوره جمعه در قسمت تشویق مردم به سوی نماز جمعه آمده است.

---

<sup>۱</sup> - محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۱۸، ص ۱۹۷.

<sup>۲</sup> - فتح الله کاشانی، همان، ج ۸، ص ۵۰.

<sup>۳</sup> - محمد رضا و محسن آشتیانی، گنجینه آداب اسلامی، چاپ هشتم، بی جا، زهیر، ۱۳۹۱، ص ۶۱۷.

<sup>۴</sup> - محمد بن علی ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، همان، ج ۱، ص ۴۳۱.

جمعه زمان اندیشمندی است که انسان ها برای وصول به رحمت حق اجتماع می کنند آن مردمی که عاشق حق و حقیقت و خواهان فضل و فضیلت می باشند.<sup>۱</sup>

در روز جمعه برای بالا رفتن اعمال بندگان، درهای آسمان گشوده می شود.<sup>۲</sup> پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «در روز جمعه خداوند کارهای نیک را چند برابر و کارهای زشت را محو می کند و به درجات مومنان می افزاید، دعاها را اجابت می کند و بلاها را دور و حاجات مومنین را برآورده می سازد.»<sup>۳</sup>

محدث قمی، عالم بزرگوار و باکرامت در کتاب عظیم مفاتیح الجنان نقل می کند: «بدان که شب و روز جمعه نسبت به سایر شب ها و ایام دارای امتیازی تام است و دارای مقام و رفعت و شرافت بسیاری است.»<sup>۴</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در فضیلت صلوات روز جمعه می فرماید: «در روز جمعه زیاد بر من صلوات بفرستید؛ چرا که جمعه روزی است که (پاداش) کارها در آن، چند برابر می شود.»<sup>۵</sup>

## ۱.۴. خوراکی ها

### ۱.۴.۱. آب

<sup>۱</sup> - حسین انصاریان، دیار عاشقان، همان، ج ۷، ص ۵۶۷.

<sup>۲</sup> - محسن قرائتی، دقایقی با قرآن، قم: مرکز بین المللی فرهنگ و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۰، ص ۲۴۰.

<sup>۳</sup> - محمدتقی مجلسی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، همان، ج ۴، ص ۵۴۷.

<sup>۴</sup> - عباس قمی، همان، ص ۸۱.

<sup>۵</sup> - نعمان بن محمد بن مغربی بن حیون، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، ج ۱، چاپ دوم، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۸۵، ص ۱۷۹.

آب از جمله نعمت هایی است که خداوند از آن به عنوان مبارک یاد کرده است و یکی از مصادیق برکت در زندگی مسلمین است.

خداوند در قرآن می فرماید: «وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا؛<sup>۱</sup> و از آسمان آب باران با برکت را فرود آوردیم.»

منظور از «ماءٌ مُّبَارَكًا» باران است و مبارک بودن آن به این جهت است که خیرات آن عاید زمین و اهلش می گردد.<sup>۲</sup>

وجود مبارک امام باقر (علیه السلام) در حدیثی می فرمایند: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «به خدا برکت در سه چیز است: آب، آتش و گوسفند.»<sup>۳</sup>

باران که وسیله ی زنده شدن خاک و زمین می گردد هم یکی از کلیدهای هستی است که گاهی واسطه ی فیض می شود همچنین از عوامل مادی تأثیرگذار در گشایش رزق می باشد.<sup>۴</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در حدیثی آب را یکی از چهار برکتی می دانند که خداوند از آسمان نازل فرموده است.<sup>۵</sup> اهمیت فوق العاده و نقش بی بدیل آب در زندگی بشر باعث شده که شریعت اسلامی ضرورت استفاده ی بهینه از آب را مورد تأکید و بررسی قرار دهد به طور مثال اسلام تأکید دارد که وضو و غسل با ریختن کمترین مقدار آب انجام گیرد.<sup>۶</sup>

---

<sup>۱</sup> - ق (۵۰)، آیه ۹.

<sup>۲</sup> - محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۸، ص ۵۰۹.

<sup>۳</sup> - محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، همان، ج ۶۴، ص ۱۳۸، ح ۳۶.

<sup>۴</sup> - محسن قرائتی، دقایقی با قرآن، همان، ص ۱۹۱.

<sup>۵</sup> - فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، احمد حسینی اشکوری، ج ۵، چاپ سوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵، ص ۴۸۰.

<sup>۶</sup> - علی اکبر کلاتری، اسلام والگوی مصرف، چاپ نوزدهم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱، ص ۷۷.

## ۱.۴.۲ . نان

نان یکی از پر برکت ترین نعمت هایی است که از جانب خداوند به بندگان اعطا شده. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) خطاب به امت خویش می فرماید:

«مبادا نان را بو کنید آنگونه که درندگان بو می کنند چرا که نان مبارک است...»<sup>۱</sup>

نان مایه حیات و موجب نشاط در عبادات و پیش نیاز حسنات در زندگی انسان است. پیوند معاش و معاد و موضوع دعا برای برکات از سوی پیشوایان مطهر دینی همواره مطرح بوده است.<sup>۲</sup>

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در دعایی از خداوند می خواهد: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ...»<sup>۳</sup> خدایا نان را برای ما مبارک گردان و میان ما و نان جدایی مینداز...»

جلوه ای دیگر از ویژگی های والای نان که باعث برکات آن می شود نوع قرص نان است.<sup>۴</sup> رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در این باره می فرماید: «صَغُرُوا رُغْفَانَكُمْ؛ فَإِنَّ مَعَ كُلِّ رَغِيفٍ بَرَكَةٌ؛»<sup>۵</sup> قرص های نان را کوچک نمائید که همانا با هر قرص نانی برکت است.»

## ۱.۴.۳ . خرما

خرما از نعمت های مفید و بابرکت پروردگار عالم است که سرشار از ویتامین و تامین کننده ی قند خون مورد نیاز بدن انسان می باشد.

<sup>۱</sup> - محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، همان، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۶.

<sup>۲</sup> - احمد لقمانی، بهترین آرزوهای زندگی، همان، ص ۲۶۴.

<sup>۳</sup> - محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی، همان، ج ۶، ص ۲۸۷.

<sup>۴</sup> - احمد لقمانی، بهترین آرزوهای زندگی، همان، ص ۲۶۵.

<sup>۵</sup> - سعید بن هبه الله قطب الدین راوندی، الدعوات، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۷، ص ۱۴۰.

در قرآن کریم نیز نام درخت نخل (با عناوین مختلف) بیش از سایر درختان و میوه ها تکرار شده است. یک ضرب المثل عربی می گوید: «فوائد درخت خرما به اندازه تعداد روزهای سال است»<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «هرگاه یکی از شما افطار می کند با خرما افطار کند که برکت است»<sup>۲</sup>

خرما یکی از مواد غذایی است که ۳۶۰..... فایده و خاصیت دارد پزشکان در این باره می نویسند: «خرما یکی از مواد غذایی است که از زمان های بسیار قدیم در اغلب نقاط زمین جزء مایحتاج روزانه بوده و مصرف زیادی داشته است زیرا غذایی کامل، طبیعی و مطبوع است»<sup>۳</sup>

خداوند در آیه ۲۵..... سوره مریم می فرماید: «و هُزِيَ إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا؛ و تکانی به این درخت نخل بده تا رطب تازه بر تو فرو ریزد»

که در واقع خداوند غذای مریم را به هنگام تولد نوزاد رطب قرار داده و مفسران از این مطلب چنین استفاده کرده اند که یکی از بهترین غذاها برای زنان پس از وضع حمل رطب می باشد.<sup>۴</sup>

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) درباره ی فواید خرما می فرماید: «خرما خستگی را از بدن می برد و سرما را برطرف می سازد انسان گرسنه را سیر می کند و هفتاد و دو نوع درمان دارد»<sup>۵</sup>

---

<sup>۱</sup> - زبیده خدایی، خدایا چه بخورم، چاپ پنجم، قم: نگاران نور، ۱۳۸۸، ص ۶۰.

<sup>۲</sup> - محمود بن عمر زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷، ص ۲۲۱.

<sup>۳</sup> - رضا محمدزاده، عباس گوهری، محمد جانی پور، مقاله بررسی مفهومی و مصداقی برکت از دیدگاه قرآن کریم، ساعت ۹:۲۰، ۱۳۹۲/۸/۱۵، [www.Noormagz.com](http://www.Noormagz.com)

<sup>۴</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۱۳، ص ۴۳.

<sup>۵</sup> - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، محمدباقر کمره ای، ج ۵۴، تهران: اسلامیة، ۱۳۵۱، ص ۲۹۹.

#### ۱.۴.۴. زیتون

خداوند در قرآن مجید برای عظمت بعضی از خوراکی ها، به آن سوگند یاد نموده و درخت مبارک زیتون نیز میوه ای است که خداوند به آن قسم یاد کرده است.<sup>۱</sup> «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ؛ قسم به انجیر و قسم به زیتون»<sup>۲</sup>

دانشمندان و غذاشناسان برای زیتون و روغن آن اهمیت فوق العاده‌ای قائلند. چرا که روغن زیتون خواص درمانی بسیاری دارد دوست صمیمی کبد آدمی، و برای رفع عوارض کلیه‌ها و سنگ های صفراوی، و قولنج‌های کلیوی، و کبدی، و رفع یبوست بسیار مؤثر است. به همین جهت از درخت زیتون به عنوان «شجره مبارکه» در قرآن مجید یاد شده است.<sup>۳</sup>

خداوند در سوره نور چنین وصف شده که نور خداوند مانند چراغدانی است که چراغ پر فروغی در آن است و آن چراغ از روغن درخت زیتون پر برکت افروخته می شود. «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ...»<sup>۴</sup>

یعنی چراغ می سوزد در حالیکه روشنایی خود را از درخت مبارک زیتون گرفته و اشتعالش از روغنی به دست می آید که از درخت مبارک زیتون حاصل می شود.<sup>۵</sup>

پیامبر گرامی اسلام می فرمایند: «خوب مسواکی است شاخه زیتون از درخت مبارک. دهان را خوشبو می سازد و پوسیدگی دندان را می زداید و...»<sup>۶</sup>

---

<sup>۱</sup> - زبیده خدایی، همان، ص ۸۰.

<sup>۲</sup> - تین (۹۵)، آیه ۲، ۶.

<sup>۳</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۲۷، ص ۱۴۲.

<sup>۴</sup> - نور (۲۴)، آیه ۳۵.

<sup>۵</sup> - محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۵، ص ۱۷۲.

<sup>۶</sup> - حسین بن محمد تقی نوری، همان، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۸۸۵.

## ۱.۴.۵. عدس

عدس از مواد غذایی ارزشمند و پر اهمیت است که دارای برکات فراوانی می باشد. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْعَدَسِ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ وَمُقَدَّسٌ وَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ وَيُكْثِرُ الدَّمْعَةَ وَإِنَّهُ قَدْ بَارَكَ فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا آخِرُهُمْ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ؛<sup>۱</sup> عدس بخورید که مبارک و مقدس است دل را نازک می کند و اشک را زیاد می نماید و هفتاد پیامبر برای برکت آن دعا کرده اند که عیسی بن مریم (علیه السلام) آخرین آنان است.»

عدس سرشار از آهن مورد نیاز بدن است و خوردن آن به خصوص برای کودکان و نوجوانان بسیار مفید است و جهت جلوگیری از چربی اضافی بدن توسط پزشک توصیه می شود.<sup>۲</sup>

## ۱.۴.۶. گوسفند

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در زمینه ی گوسفند داری می فرماید: «در هیچ خانواده ای نیست که گوسفند داشته باشد مگر اینکه در خانه آنان برکت است.»<sup>۳</sup>

آنچه از گوسفند حاصل می شود مانند شیر و گوشت و پشم برای انسان ها خیر و برکت است. نکته قابل توجه اینکه گوسفند همانند سگ توالد و تناسل دارد اما با این تفاوت که سگ در هر مرتبه اغلب چند بچه می آورد و گوسفندان در هر زایمان به طور معمول یک بره می زایند در صورتی که هر روز

---

<sup>۱</sup> - محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴.

<sup>۲</sup> - چین اینگلیس، مجموعه تغذیه و تندرستی، محمود سالک، تهران: پیدایش، ۱۳۷۹، ص ۲۵-۲۴.

<sup>۳</sup> - علاء الدین علی متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، چاپ پنجم، بیروت: موسسه الرساله، بی تا، ص ۳۲۵، ح

تعداد زیادی از گوسفندان برای بهره برداری از گوشت آن ها ذبح می گردد، با این وجود، از نمو و برکتی که خداوند در این موجود قرار داده، تعداد گوسفندان همیشه رو به ازدیاد است.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در حدیثی دیگر می فرماید: «الشَّاءُ الْمُنْتِجَةُ بُرْكَهٌ»<sup>۲</sup> گوسفند زاینده برکت است.»

در جایی دیگر آن حضرت می فرماید:

«چون خداوند وسایل زندگی مردم را آفرید برکت را در کشاورزی و گوسفند داری قرار داد.»<sup>۳</sup>

بنابراین با توجه به آنچه بیان شد می توان گفت:

برخی از اشخاص، زمان ها و مکان ها و ... هستند که خداوند آنان را مصداق برکت قرار داده به طوریکه در آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) با لفظ مبارک توصیف شده اند.

از سوی دیگر در قرآن کریم از اعطای برکت خداوند به انبیاء و از سوی آنان به دیگران سخن به میان آمده است. بنابراین وجود آن ها به توسعه و تعالی و ماندگاری نعمت کمک شایانی می کند و در نهایت انسان را به سلامت دنیوی و سعادت اخروی سوق می دهد.

---

<sup>۱</sup> - احمد محسنی گرگانی، زکات برای همه، قم: پیام مهدی (عج)، ۱۳۷۷، ص ۲۱۱.

<sup>۲</sup> - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، همان، ج ۶۴، ص ۱۳۸.

<sup>۳</sup> - علاء الدین علی متقی بن حسام هندی، همان، ج ۴، ص ۳۲، ح ۹۳۵۴.

## **بخش دوم: فصل دوم**

### **فصل دوم: عوامل برکت**

#### **۲.۱. عوامل فردی**

## ۲.۲. عوامل اجتماعی

آشنایی با افراد و افعال و حتی افکار برکت زا و برکت زدا برای بسیاری از انسان ها به ویژه افراد خردمند و اندیشمند دارای اهمیت فراوانی است. زیرا گاهی به وسیله انجام کاری هر چند ساده و گاهی نیز با ترک عملی مشکلات و دشواری های زیادی از مسیر حیات انسان کنار می رود و رفاه و آسانی فراوانی نصیب شخص می گردد.

با نگاهی به مجموعه نکته ها و گفته های نورانی و الهام بخش معصومان (علیهم السلام) به عوامل مختلف دست می یابیم که در اینجا نمونه هایی را مرور می کنیم.

### ۲. عوامل برکت

#### ۲.۱. عوامل فردی

##### ۲.۱.۱. تقوا

تقوا روحیه و حالتی است در انسان که از تداوم ترک گناه و ادامه عبادت و بندگی خالصانه حاصل می شود و در میان ارزش های دینی و زیبایی های معنوی از جایگاه والایی برخوردار است.<sup>۱</sup> و به معنای خویشتن داری در برابر گناه است که با ترک محرمات و مکروهات و یا پرهیز از مباهات حاصل می شود.<sup>۲</sup> قرآن کریم با عنایتی خاص به این موضوع پرداخته و آیات فراوانی را به این اختصاص داده<sup>۳</sup> و بین تقوا و گشایش امور و پیروزی بر مشکلات رابطه ای مستقیم بر قرار کرده است.<sup>۴</sup>

خداوند در سوره طلاق می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»<sup>۵</sup> هر که تقوای الهی داشته باشد خداوند برای او راه پیروزی از مشکلات را قرار می دهد و او را از جایی که گمان نمی کند روزی می دهد...»

با توجه به آیه ی فوق یکی از عوامل و اسباب گشایش روزی و توسعه در رزق تقوا می باشد و به صراحت روشن است که با گشایش امور و حل مشکلات آرامش حقیقی به دست می آید.<sup>۶</sup>

تقوا ارزش جاودان و سودمند در هر دو جهان است که موجب عزت و سربلندی و غنا و بی نیازی بدون داشتن مال و دارایی یا قدرت و توانایی است.<sup>۷</sup> و به علاوه برکت در عمر و زندگی را نیز به همراه

---

۱ - حسین انصاریان، توبه آغوش رحمت، چاپ سوم، قم: انتشارات دار العرفان، ۱۳۸۶، ص ۳۱۴.

۲ - حسین بن محمد راغب اصفهانی، همان، ماده وقی، ص ۴۸۲.

۳ - عباس اسماعیل یزدی، فرهنگ اخلاق، چاپ دوم، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰.

۴ - محمد سبحانی نیا، جوان و آرامش، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰.

۵ - طلاق (۶۵)، آیه ۳ ۲.

۶ - محسن قرائتی، دقایقی با قرآن، همان، ص ۳۲۹.

۷ - احمد لقمانی، بهترین آرزوهای زندگی، همان، ص ۲۳۱.

می آورد. امام رضا (علیه السلام) در این باره می فرماید: «تَجَنَّبُوا الْبَوَائِقَ يُمَدَّ لَكُمْ فِي الْأَعْمَارِ!»<sup>۱</sup> از فتنه ها و بدی ها بپرهیزید تا عمر های شما طولانی شود.»

پس روشن شد که پرهیز از گناهان یکی از عوامل مهم تاثیر گذار در برکت است و سرچشمه جاری شدن خیرات و برکات برای انسان است به طوری که اگر در جامعه تقوا حکم فرما شود خداوند متعال نیز برکات آسمان و زمین را پی در پی بر افراد جامعه نازل می فرماید.<sup>۲</sup>

خداوند در سوره اعراف می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...»<sup>۳</sup> اگر مردم (اهل سرزمین ها و آبادی ها) ایمان بیاورند و تقوای الهی پیشه نمایند برکات آسمان و زمین را بر آن ها می گشاییم...»

طبق آیه فوق برکات الهی زمانی در جامعه فراگیر می شود جامعه را آباد و پر رونق می کند که مردم جامعه پایه و اساس زندگی را بر اساس تقوا و بنیان نهاده باشند. بنابراین رعایت تقوا پایه ای محکم جهت افزایش برکات الهی است.<sup>۴</sup> به علاوه ایمان و تقوا نه تنها باعث نزول برکات الهی می گردد بلکه موجب می شود هر آنچه در حیطه قدرت و اختیار انسان قرار گیرد در مصارف مورد نیاز و خدا پسندانه به کار رود.<sup>۵</sup>

---

۱ - محمد بن علی ابن بابویه، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق، ص ۳۶.

۲ - رضا اسماعیلی، مقاله برکت ۲، سایت راسخون ۱۳۹۲/۷/۷، ساعت ۱۰، [www.Raseckoon.net](http://www.Raseckoon.net)

۳ - اعراف (۷)، آیه ۹۶.

۴ - احمد محسنی گرگانی، همان، ص ۲۳۴ و ۵۹۳.

۵ - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۶، ص ۲۶۴ و ۲۶۷.

آری اگر جوامع انسانی ایمان و تقوا داشته باشند، نعمت‌ها مواهب الهی به اشکال صحیح و خدا پسندانه در بین افراد ظهور می‌یابد و آثار آن مواهب به صورت طبیعی، هم چنان باقی و برقرار خواهد ماند و مصداق کلمه ی برکات خواهند بود.<sup>۱</sup>

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوهَا ... أَسْهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ إِنْصَابِهَا»<sup>۲</sup> کسی که تقوا پیشه کند، سختی‌ها پس از نزدیک شدن از او دور و دشواری‌ها پس از رنج دادن برایش آسان می‌شود.»

## ۲.۱.۲. اقامه نماز

نماز عملی عبادی و توجهی خاص به خداوند سبحان می‌باشد و راز طبیعی آن ایجاد روحیه ای است که شخص را از فحشا و منکر باز می‌دارد و نفس را از زشتی‌های گناه باز می‌دارد.<sup>۳</sup>

نماز خواندن طبق آیات قرآن و روایات منقول از معصومین (علیه السلام) موجب وسعت رزق شده و برکات فراوان می‌آورد.<sup>۴</sup>

---

۱ - رضا اسماعیلی، مقاله برکت ۲، سایت راسخون ۱۳۹۲/۷/۷، ساعت ۱۰، [www.Raseckoon.net](http://www.Raseckoon.net)

۲ - محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ترجمه الصبحی صالح، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۳.

۳ - سعید شمس، نماز نور چشم مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم)، چاپ چهارم، قم: جمال، ۱۳۹۰، ص ۵۷.

۴ - حسن خرسندی، چرا بعضی‌ها نماز نمی‌خوانند، قم: انتشارات معصومین (علیهم السلام)، ۱۳۸۹، ص ۶۹.

خداوند در قرآن می فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»<sup>۱</sup> و خانواده خود را به نماز دستور ده و بر انجام آن شکیبا باش ما از تو روزی نمی خواهیم بلکه ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک برای اهل تقوا است.»

آیت اله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می فرماید:

«اقامه نماز موجب پاکی و صفای قلب و تقویت روح و دوام یاد خداوند است و سرمایه بزرگی برای تکامل انسان هاست و بدین ترتیب ثمره و برکات آن به طور مستقیم به خود انسان بازگشت می کند.»<sup>۲</sup>

یکی از مهم ترین سفارشات انبیا الهی و یکی از بارزترین مصادیق عبادت و بندگی نماز است.<sup>۳</sup>

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «نماز از آیین های دین است و رضای پروردگار در آن است. و آن راه پیامبران است. برای نمازگذار، محبت فرشتگان، هدایت، ایمان، فروغ معرفت، و برکت در روزی است.»<sup>۴</sup>

### ۲۰۱۰۳. وضو

---

۱ - سوره طه (۲۰)، آیه ۱۳۲.

۲ - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۱۳، ص ۳۴۲.

۳ - محسن قرائتی، پرتوی از اسرار نماز، چاپ بیست دوم، تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۴، ص ۷۹.

۴ - حسین بن محمد تقی نوری، همان، ج ۳، ص ۷۷.

یکی از اسباب ایجاد برکت در زندگی وضو گرفتن است. وضو یکی از مقدمات نماز و به منزله اجازه ورود به حضور آفریدگار هستی می باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در حدیثی وضوی کامل را مایه برکت عمر می داند و می فرمایند: «وضو را کامل بگیر تا خداوند عمرت را زیاد کند»<sup>۱</sup>

علمای علم اخلاق نیز همواره مردم را به دائم وضو ساختن توصیه فرموده اند چرا که دارای آثار و برکات بسیاری است. وضو نور مؤمن و سلاح معنوی در برابر شیطان می باشد.

روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به یکی از اصحاب فرمود: «بیشتر ساعت عمرت را با وضو باش که خداوند عمرت را زیاد می کند»<sup>۲</sup> از نظر اخلاقی نیز چون عمل وضو با قصد قربت و برای خدا انجام می گیرد تأثیر تربیتی خاصی را بر جای می گذارد.<sup>۳</sup>

بنابراین وضو همانند ترمزی است که بدن و روح را از گرایش به بدی و آلودگی باز داشته و به پاکی و راستی و درستی هدایت می کند و علاوه بر برکت مادی موجب برکت معنوی نیز خواهد شد.<sup>۴</sup>

#### ۲.۱.۴. نماز شب

یکی از عبادات خالص اولیای الهی نماز شب است که از برنامه های ارزنده ی دین اسلام محسوب می شود و انسان را به وادی معنویات نزدیک تر می سازد. تأثیر نماز شب در دنیا نیز ابعاد گسترده ای

---

۱ - علاء الدین علی متقی هندی، همان، ج ۱۵، ص ۹۰۹.

۲ - محمد بن محمد مفید، الامالی، استاد ولی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴، ص ۷۳.

۳ - سعید شمس، همان، ص ۱۰۴.

۴ - محمدرضا و محسن آشتیانی، همان، ص ۴۹۱.

دارد چرا که هم در زندگی شخصی و اجتماعی و سیاسی و هم در باطن و ظاهر انسان مؤثر است و مشکلات و گرفتاری ها و بیماری های روحی و جسمی را نیز برطرف می سازد.<sup>۱</sup>

در روایات گوهر بار معصومین (علیهم السلام) از نماز شب به عنوان عامل زیاد شدن رزق و روزی، ادای دین، رفع هم و غم و موجب سلامتی بدن و دریافت رحمت الهی یاد شده است.<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «نماز شب موجب رضایت خدا، دوستی فرشتگان،... سبب استجاب دعا و قبولی اعمال و برکت در رزق روزی است.»<sup>۳</sup>

نماز شب از نماز های پر فضیلت می باشد<sup>۴</sup> که در قرآن ثوابی بی حساب بر آن ذکر شده است.<sup>۵</sup> و خداوند می فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ؛<sup>۶</sup> هیچ کس نمی داند که چه پاداشی برای او ذخیره شده است.»

همچنین خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا؛<sup>۷</sup> همانا برخاستن در شب برای عبادت پایدارتر است.»

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «نماز شب باعث زیبایی و نیکویی اخلاق و خوشبویی بدن و فراوانی رزق و مایه ادا شدن قرض ها و موجب از بین رفتن غم و باعث تقویت و نور چشم است.»<sup>۸</sup>

---

۱ - همان، ص ۵۱۰.

۲ - محسن قرائتی، دقایقی با قرآن، همان، ص ۲۵۹.

۳ - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، محمدباقر کمره ای، همان، ج ۵۴، ص ۲۹۹.

۴ - محسن قرائتی، دقایقی با قرآن، همان، ص ۱۱۹.

۵ - مهدی نیلی پور، هبهشت اخلاق، ج ۱، چاپ هفتم، قم: مرغ سلیمان، ۱۳۸۹، ص ۷۳۲.

۶ - سجده (۳۲)، آیه ۱۷.

۷ - مزمل (۷۳)، آیه ۶.

۸ - محمد محمدی ری شهری، خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث، همان، ص ۴۰۴.

بنابراین اقامه نماز شب موجب نورانیت چهره و نورانیت دل و کسب نشاط معنوی و عامل توسعه رزق و گشایش امور می شود.<sup>۱</sup>

## ۲.۱.۵. سحر خیزی

از هنگام اذان صبح تا طلوع آفتاب به سحرگاهان و زمان بین الطلوعین مشهور است که لحظاتی است زرین و طلایی و در صورتی که انسان مسلمان بین این دو زمان را بیدار باشد، آثار و برکات بی‌نهایتی را به دنبال دارد.<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در حدیثی سحرها را عامل برکت دانسته می‌فرماید: «سحرها برکت است امت من سحرها را ترک نکند ولو به اندازه کوتاه آن»<sup>۳</sup>

خداوند کریم سحر خیزی را در قرآن مجید به طور مکرر مورد ستایش قرار داده است و آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) در مورد فضیلت سحر خیزی و استغفار در سحر فراوان است و هر کس به هر مقامی که دست یافته به برکت سحرخیزی بوده است.<sup>۴</sup> خداوند درباره متقین می‌فرماید: «سحرگاهان از خدا درخواست آمرزش می‌کنند»<sup>۵</sup> و در جایی دیگر می‌فرماید: «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ»<sup>۶</sup> استغفار کنندگان در سحرهایند.»

---

۱ - مهدی نیلی پور، همان، ص ۷۳۲.

۲ - احمد لقمانی، بهترین آرزوهای زندگی، همان، ص ۲۷۵.

۳ - محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، همان، ج ۴، ص ۹۵.

۴ - عبدالحسین دستغیب، قلب سلیم، ج ۱، چاپ ششم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۹.

۵ - ذاریات (۵۱)، آیه ۱۸.

۶ - آل عمران (۳)، آیه ۱۷.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روایتی می فرماید: «هر که از خدا حاجتی دارد در سه ساعت طلب کند... (سوم) بین سپیده دم و طلوع آفتاب از خدا روزی طلب کنید که از گردش روی زمین در تحصیل رزق مفید تر است. این ساعتی است که خدای عز وجل روزی ها را میان بندگان قسمت می فرماید.»<sup>۱</sup>

صبح خیلی زود بیدار شدن پر برکت است و تمامی نعمت ها به ویژه روزی در آن هنگام افزایش می یابد.<sup>۲</sup>

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «هر گاه یکی از شما خواست کاری انجام دهد صبح زود در پی آن برود چرا که من از پروردگرم خواسته ام که به امتم در صبح خیزی اش برکت دهد.»<sup>۳</sup>

عبادت در سحرگاهان و نزدیک طلوع فجر تاثیر فوق العاده و ماندگاری در تهذیب نفس و تربیت معنوی و صفای روح، پاکی و بیداری قلب و دل، استواری و تقویت ایمان و اراده و استحکام پایه های تقوا بر دل و جان انسان می گذارد.<sup>۴</sup>

## ۲.۱.۶. تلاوت قرآن

---

۱ - الحسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول، احمد جنتی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۰.

۲ - محمدبن محمد طوسی، آداب المتعلمین، عبدالرسول چمن خواه و اسماعیل آرسن، تهران: اندیشه ایرانی متون کهن (۱)، ۱۳۸۸، ص ۹۰.

۳ - حسن بن علی بن شعبه حرانی، همان، ص ۱۱۳.

۴ - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۲۳، ص ۱۷۲.

قرآن کتاب الهی، چراغ هدایت بشر، راهنمای انسان به سوی زندگی برتر صفای سینه ها از درد های اخلاقی و عامل برکت در دنیا و آخرت می باشد.<sup>۱</sup> حضرت امام صادق (علیه السلام) در باب تلاوت قرآن می فرماید: «خانه ای که در آن قرآن تلاوت گردد و در آن خدای عزوجل یاد شود برکتش زیاد می شود.»<sup>۲</sup>

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «خانه های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید و آن را مانند قبر ها ساکت و خاموش قرار ندهید. زیرا خانه ای که در آن تلاوت قرآن زیاد باشد، موجب گشایش و توسعه خیر و برکت برای اهل آن می گردد و آن خانه چنان دارای نورانیت می گردد که اهل آسمان از آن استفاده می کنند هم چنان که اهل زمین از نور فروغ ستارگان آسمان بهره مند می گردند.»<sup>۳</sup>

بنابراین قرائت قرآن سبب گردش خیر و برکت مادی و معنوی می شود<sup>۴</sup> چرا که کلام آسمانی و نورانی وحی است و نه تنها دل و جان انسان را روشن می سازد بلکه ثواب کثیر و نامحدودی دارد.<sup>۵</sup>

از جمله اموری که دارای برکات فراوانی است تلاوت قرآن می باشد چرا که خیر کثیر در این کتاب ارزشمند آسمانی نهفته است به طوری که انسان ها را به استوارترین راه هدایت می کند، و مردم می توانند در امور دنیوی خود نیز از آن بهره مند گردند.

---

۱ - حسین انصاریان، نظام خانواده در اسلام، همان، ص ۳۴۱.

۲ - زین الدین بن علی ثانی، منیه المرید، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹، ص ۱۰۳.

۳ - احمد بن محمد بن فهد حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷، ص ۲۸۷ - ۲۸۶.

۴ - احمد صادقی اردستانی، اخلاق خانواده، چاپ سوم، تهران: موسسه مطبوعاتی خزر، بی تا، ص ۱۴.

۵ - حسین مظاهری، اخلاق و جوان، ج ۲، قم: شفق، ۱۳۷۷، ص ۱۲۳.

پیشوایان دین اسلام نیز قرائت قرآن را سفارش و تاکید بسیاری نموده اند که علت آن بهره مند شدن از نورانیت قرآن و برخورداری از بهره و پاداش فراوان اخروی می باشد به گونه ای که نورانیت و صفای باطنی قرائت قرآن عمق وجود مسلمین را تحت تاثیر خود قرار می دهد.<sup>۱</sup>

تلاوت قرآن یکی از بهترین اعمال و برترین عبادت ها است که بزرگ ترین بهره را نصیب شخص نموده و رضایت خداوند را جلب می کند و همچنین موجبات رزق و روزی فراوان را فراهم می آورد.<sup>۲</sup>

### ۲.۱.۷. شکر و سپاس

شکر و سپاس دو واژه زرین در آموزه های الهی است که نشانه روشن بینی و خردمندی و نماد توجه به نعمت و نعمت آفرین است و مورد استفاده قرار دادن داده های الهی در مسیر صحیح و مورد رضایت پروردگار مهربان، رهاورد این اندیشه شایان است و برکات آن نشاط و آرامش و کنار رفتن همه غم ها و غصه ها از آینه دل است.<sup>۳</sup>

شکر واقعی آن است که انسان نعمت خدا را در مسیر حق قرار دهد و بهترین شکر اقرار به نعمت های خداوند است.<sup>۴</sup>

از آیات و روایات نیز چنین استنباط می شود که مقام شاکران و منزلت شکر بسیار عظیم است و در مرتبه ای بالا قرار دارد و حقیقت شکر مصرف کردن نعمت های مادی و معنوی در راه حق و

---

۱ - محمدرضا و محسن آشتیانی، همان، ص ۵۲۶.

۲ - حسین مظاهری، اخلاق در خانه، ج ۱، چاپ نوزدهم، قم: نشر اخلاق، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲.

۳ - احمد لقمانی، چگونه شاد و خنده رو باشیم، قم: بهشت بینش، ۱۳۹۱، ص ۲۱۰.

۴ - محسن قرائتی، دقایقی با قرآن، همان، ص ۱۱۴.

اجتناب کردن از صرف نعمت در معاصی و خطاها می باشد.<sup>۱</sup> بنابراین شکر نعمت، صرف نعمت در عبادت و طاعت، خدمت به خلق، احسان و نیکی به مردم، روبه رو شدن با نعمت توسط گفتار و عمل و نیت است.<sup>۲</sup>

یکی از کلید های هستی و راه توسعه زندگی و افزایش نعمت، سپاس گذاری از خداوند است و هر راه دیگری غیر از افزایش رنج و عذاب و تلف نمودن سرمایه عمر و سلامتی پیامد دیگری نخواهد داشت.<sup>۳</sup>

قرآن نیز یکی از کلید های توسعه رزق را شکر و سپاس معرفی فرموده است: «اگر شکر گزاری کنید نعمت را برای شما زیاد می کنم»<sup>۴</sup>

در این آیه شکر نعمت عاملی برای زیاد شدن نعمت و کفر آن موجب عذاب شدید است.<sup>۵</sup> و این که دستور به شکر گذاری داده دلیلی بر بخشش و افزایش نعمت ها بر انسان می باشد.<sup>۶</sup>

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرماید: «شکر نعمت دوری از گناه است»<sup>۷</sup>

و همچنین شکر نعمت این است که انسان نعمت را از خدا بداند و به آنچه خدا به او داده راضی باشد و نعمت های الهی را وسیله گناه قرار ندهد.<sup>۸</sup> از لطایف کریمه خدای سبحان این است که : به

---

۱ - حسین انصاریان، دیار عاشقان، همان، صص ۲۷۴.

۲ - حسین انصاریان، توبه آغوش رحمت، همان، ص ۲۵.

۳ - عباس پسندیده، رضایت از زندگی، چاپ هفتم، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴.

۴ - محسن قرائتی، دقایقی با قرآن، همان، ص ۱۱۴.

۵ - ابراهیم (۱۴)، آیه ۷.

۶ - محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۲، ص ۲۹.

۷ - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۱۰، ص ۲۸۷.

۸ - فیض الاسلام، الصحیفه السجادیه، چاپ دوم، تهران: فقیه، ۱۳۷۶، ص ۳۷.

۹ - محسن قرائتی، دقایقی با قرآن، همان، ص ۱۱۴.

صراحت وعده زیاد کردن نعمت را عنوان کرده و فرموده: «لَا زَيْدَنَّكُمْ»<sup>۱</sup> حتما نعمت را برای شما زیاد می کنم.»

## ۲.۱.۸. کار و تلاش

کار سالم برای تامین زندگی آبرومندانه، یکی از مهم ترین اصول توسعه اقتصادی و برکات مادی می باشد و از بزرگترین عبادت ها و ارزش های معنوی تلقی می شود.<sup>۲</sup> پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این زمینه می فرماید: «عبادت هفتاد جزء دارد برترین آن ها کسب حلال است.»<sup>۳</sup> در فرهنگ غنی اسلام به کار به چشم یک عبادت می نگرند و ارزش انسان به کار و تلاش است.<sup>۴</sup>

خداوند در آیه ۲۵ سوره مریم می فرماید: «وَهْزِي إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا؛ تَكَانِي بِهِ فِي ذَلِكَ يَدْرِكُ الْبَدَنَ تَأْتِيهِ تِلْكَ الْمَاءُ الْيُسْرَىٰ» خداوند در این آیه به مریم دستور می دهد، درخت خرما را تکان دهد تا از میوه آن بهره مند گردد و این درس آموزنده را به همه بندگان می دهد که حتی در سخت ترین شرایط زندگی نباید دست از تلاش و کوشش برداشت. زیرا تا حرکتی از ما نباشد برکتی نخواهد بود.<sup>۵</sup> همانطور که در آیه ی دیگری آمده است: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ وَابْتَغَى الْوَعْدَ لِأَنْ يَسْتَعِزَّ بِاللَّذَّةِ الَّتِي لَا تُنْفَعُ بِالْإِنْسَانِ فِي الْحَرْبِ وَلَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» و اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست. (نجم: آیه ۳۹)

۱ - محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۲، ص ۲۹.

۲ - مقاله محمد صادق سلیمیان، مقاله برکت در قرآن، ۱۳۹۲/۷- www.Raseckoon.ir

۳ - محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، همان، ج ۵، ص ۷۸.

۴ - عباس رحیمی، جوان موفق، چاپ دوم، قم: جمال، ۱۳۸۵، ص ۷۹.

۵ - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۱۳، ص ۴۳.

در پرتو گرایش به کسب روزی حلال، اسلام تمام تلاش ها و فعالیت هایی را که به سمت و سوی انگیزه درست و صحیح و در راه سازندگی انسان پیش می رود عبادت دانسته و مقدس می شمرد و بر این باور است که برکات مادی در کنار برکات معنوی پدیدار می شود.<sup>۱</sup>

## ۲.۱.۹. ازدواج

از جمله مسائلی که در دین اسلام بر روی آن تاکید زیادی شده ازدواج بین پسر و دختر است که اثرات و ثمرات بسیار ارزنده و مفیدی را دارا می باشد.<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «برای فراوانی روزی ازدواج کنید.»<sup>۳</sup> زیرا خداوند متعال برای شما در زنان برکت قرار داده یعنی ازدواج مایه برکت و افزایش رزق و روزی می گردد.

آیت الله مشکینی یکی از راه های ازدیاد رزق و روزی به سبب ازدواج را مددهای غیبی می داند که خداوند وعده فرموده است.<sup>۴</sup> پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «الْتَمِسُوا الرِّزْقَ بِالنِّكَاحِ»<sup>۵</sup> در صورتی که امر ازدواج حساب شده و توأم با دانش و مشاوره انجام پذیرد سراسر فایده است آثار و برکات زیادی را در پی دارد و طبق تحقیقات وسیع صاحب نظران دینی، روان شناسان و ... ازدواج و تشکیل خانواده ثمرات و فواید سرشاری را به ارمغان می آورد.<sup>۶</sup> که نخستین ثمره مبارک و بلکه بالاترین رهاورد خجسته این پیوند الهی، تثبیت

---

۱ - محمد صادق سلیمان، مقاله برکت در قرآن (کار و تلاش)، ۱۳۹۲/۷/۵- [www.Raseckoon.ir](http://www.Raseckoon.ir)

۲ - حسین مظاهری، اخلاق و جوان، همان، ج ۱، ص ۱۳۵.

۳ - حسین بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۵، تهران: فرهنگ سبز، ۱۳۸۶، ص ۹۲.

۴ - مشکینی، ازدواج در اسلام، احمد جنتی، چاپ هشتم، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۶۶، ص ۲۵.

۵ - علاء الدین هندی، همان، ج ۱۶، ص ۲۷۶، ح ۴۴۳۶.

۶ - امیر ملک محمودی الیگودرزی، راهنمای ازدواج، چاپ بیستم، قم: شهاب الدین، ۱۳۸۷، ص ۳۹.

و حفظ و حراست نیمی از دین به عنوان عظیم‌ترین توشه و برداشت او از این سرای هستی است.<sup>۱</sup> و خشنودی خداوند متعال و مباحثات پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ازدیاد روزی از ثمرات بعدی ازدواج در اسلام می‌باشد.<sup>۲</sup>

### ۲.۱.۱۰. استغفار

استغفار به معنای پشیمانی از گذشته و تصمیم جدی بر آینده است استغفار در فرهنگ اسلام واژه‌ای والا و کلیدی کارگشا و ابری برکت‌زا است. درهای رحمت و مغفرت الهی با استغفار گشوده شده و موانع استجاب دعا مرتفع می‌گردد.<sup>۳</sup> «وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا...»<sup>۴</sup> و اینکه از پروردگار خویش آمرزش بطلبید، سپس به سوی او باز گردید تا بطرز نیکویی شما را تا مدت معین (از مواهب زندگی این جهان) بهره‌مند سازد...»

«وَايَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ؛ هُود»<sup>۵</sup> به قومش گفت: ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید سپس به سوی او باز گردید تا باران آسمان را پی در پی بر شما بفرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید.»

با توجه به این دو آیه می‌توان گفت که استغفار می‌تواند سبب برکت مادی و معنوی و همچنین فردی و اجتماعی باشد.

---

۱ - حسین مظاهری، اخلاق و جوان، همان، ج ۱، ص ۱۳۵.

۲ - امیر ملک محمودی الیگودرزی، همان، ص ۴۰.

۳ - احمد لقمانی، بهترین آرزوهای زندگی، همان، ص ۱۱۸.

۴ - هود (۱۱)، آیه ۳.

۵ - هود (۱۱)، آیه ۵۲.

اما از آنجا که باران رحمت است نه آسیبی می رساند و نه ویرانی به بار می آورد بلکه در همه جا مایه خرمی و سرسبزی و طراوت است.<sup>۱</sup>

در نهج البلاغه می خوانیم «وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ سَبَبًا لِدُرُورِ الرِّزْقِ...»<sup>۲</sup> خداوند سبحان استغفار را سبب فزونی روزی و رحمت خلق قرار داده است و فرموده از پروردگارتان طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است باران پر برکت آسمان را بر شما می فرستد...»

در حدیثی از حضرت علی (علیه السلام) آمده که فرمود: «أَكْثَرُ الْإِسْتِغْفَارِ تَجَلُّبُ الرِّزْقِ»<sup>۳</sup> زیاد استغفار کن تا رزق و روزی را به سوی خود جلب کنی.»

رهاورد استغفار در نگاه آیات و روایات ریزش لطف و رحمت بی نهایت خداوند سبحان برکات فراوان و مدد های بسیار از اموال و فرزندان از سوی آفریدگار هستی می باشد.

## ۲.۱.۱۱. قناعت

قناعت یکی از ویژگی های والای اخلاقی، اقتصادی است که در آموزه های دینی دارای عظمتی چشمگیر است و انسان های پاک سیرت همواره بر آن تاکید ورزیده اند.<sup>۴</sup> قناعت یعنی این که انسان به آنچه هست بسنده کرده و به وضع موجود راضی باشد و به آنچه که خداوند از رزق و روزی و

---

۱ - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ص ۶۹.

۲ - محمد حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (للصباحی صالح)، همان، ص ۱۹۹.

۳ - همان، ص ۲۳۰.

۴ - احمد لقمانی، بهترین آرزوهای زندگی، همان، ص ۲۳۶.

امکانات زندگی برایش مقدر فرموده خشنود باشد.<sup>۱</sup> امیر المومنان (علیه السلام) می فرماید: «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ؛<sup>۲</sup> قناعت ثروتی است که تمام نمی شود.»

قناعت و ساده زیستی به شخص آرامش داده و زندگی را زیبا می کند و جسم و روح انسان را از تباهی و خستگی می رهااند.<sup>۳</sup>

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بهره مندی از روح قناعت را بقای نعمت و ثروت بزرگ تر نیز می دانند.<sup>۴</sup>

امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: «هر کس میانه روی و قناعت پیشه کند، نعمت برایش پایدار می ماند.»<sup>۵</sup>

قناعت یکی از ویژگی های انسان های با فضیلت است، افراد قانع در زندگی خویش به اندازه ضرورت و کفاف بسنده نموده و به کمتر از آن نیز خشنودند.<sup>۶</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «میانه روی و قناعت مایه بی نیازی است.»<sup>۷</sup>

---

۱ - محمد محمدی اشتهاردی، پندهای جاویدان، چاپ دوم، قم: بی تا، ۱۳۸۳، ص ۲۳۶.

۲ - علی بن حسن طبرسی، مشکاه الانوار، چاپ دوم، نجف: مکتبه حیدریه، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸.

۳ - عباس رحیمی، زندگی موفق، همان، ص ۱۱۶.

۴ - عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیاه، همان، ص ۶۳۶.

۵ - محمدرضا و محمد و علی حکیمی، الحیاه، احمد آرام، ج ۴، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸، ص ۳۱۵.

۶ - محمدرضا مهدوی کنی، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، چاپ بیست و دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۶۳۵.

۷ - عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیاه، همان، ص ۶۳۳.

## ۲.۱.۱۲. نام نیک

تعالیم اسلامی انتخاب کردن نام نیکو برای فرزند را از حقوق اولیه کودک می داند<sup>۱</sup> و در روایات اسامی پیامبران و ائمه (علیهم السلام) به عنوان عامل برکت شناخته شده است. امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرٍ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ»<sup>۲</sup> در خانه ای که نام پسران، محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین و جعفر یا و طالب و عبد الله و نام دختران فاطمه باشد، فقر داخل نمی گردد.»

نخستین وظیفه والدین در قبال کودک انتخاب نام مناسب به ویژه نام ائمه، انبیا و چهره های صالح برای فرزندان است چراکه نام نیک در آینده کودک بازتاب روانی و تربیتی دارد.<sup>۳</sup> پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«هیچ خانه ای نیست که نام محمد در آن خانه باشد مگر اینکه خداوند روزی اهل خانه را زیاد می کند.»<sup>۴</sup>

اگر نام گذاری ها برگرفته از چهره هایی باشند که در تاریخ از آنان به بزرگی و نیکی یاد می شود، بعد ها کودک در انطباق با نام خویش به هویتی مطلوب و ارزشمند نایل می شود.<sup>۵</sup> و پیروی از الگوهایی که جهت هدایت و راهنمایی فرستاده شده اند، زندگی را سرشار از خیر و برکت می نماید.<sup>۶</sup>

۱ - محمدرضا و محسن آشتیانی، همان، ص ۳۹۴.

۲ - احمد بن محمد بن فهد حلّی، عده الداعی و نجاح الساعی، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷، ص ۸۷.

۳ - مهدی نیک خو، گلبرگ زندگی، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶.

۴ - مسعود بن عیسی ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، محمدرضا عطایی، مشهد بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ص ۷۷.

۵ - مهدی نیک خو، همان، ص ۱۰۶.

۶ - رضا اسماعیلی، برکت ۳، ساعت ۹ - ۱۳۹۲/۷/۵ - [www.Raseckoon.net](http://www.Raseckoon.net)

## ۲.۱.۱۳. زیارت امام حسین (علیه السلام)

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) در حدیثی درباره زیارت امام حسین (علیه السلام) می فرماید: «پیروان ما را به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) فرمان دهید. چرا که زیارت آن رزق را می افزاید، عمر را طولانی می کند و از حوادث ناگوار جلو گیری می نماید.»<sup>۱</sup>

قدمی که به سوی تربت پاک امام حسین (علیه السلام) برداشته می شود ثواب هزار حج و هزار عمره دارد و هر درهمی که در این سفر خرج شود حسنه ای چون کوه بزرگ احد خواهد داشت. خوابیدن در کربلا هفتاد سال عبادت بر گنجینه حسنات زائر می افزاید و زیباتر از هر زیبایی این است که ایام زیارت امام حسین (علیه السلام) از عمر زائر به حساب نمی آید و هنگام مراجعت فرشته ای به گوش جان او ندا می دهد که (بهشت بر تو مبارک باد).<sup>۲</sup>

## ۲.۲. عوامل اجتماعی

بعضی از عوامل اجتماعی عبارتند از:

### ۲.۲.۱. جماعت

دین مبین اسلام با عنایت به برکات آثار وحدت و تجمع و یک پارچگی در بسیاری از برنامه های خود، بر بعد اجتماعی تکیه و تأیید نموده است.<sup>۳</sup>

---

۱ - جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، نجف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶، ص ۱۵۱.

۲ - احمد لقمانی، بهترین آرزوهای زندگی، همان، ص ۳۶۲.

۳ - جعفر بن محمد مستغفری، طب النبی (ص)، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵، ص ۲۱.

وجود مبارک پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در رابطه با با هم غذا خوردن و اینکه دست های زیادی در سفره باشد فرمودند: «با هم غذا بخورید و جدا نشوید که همانا برکت با جماعت است.»<sup>۱</sup>

فضیلت جماعت در تمام امور (عبادی، اجتماعی، فرهنگی، و حتی اقتصادی) نسبت به دستگیری و یاری رساندن به دیگران در عبادت و مفاهیم گوناگون آموزه های دینی به صورتی شفاف مطرح گردیده است.<sup>۲</sup>

امام صادق (علیه السلام) از امام حسن مجتبی (علیه السلام) نقل می کنند: «در سفره دوازده خصلت وجود دارد ... و اگر غذا به صورت جمعی خورده شود یعنی با هم، و تعداد زیادی بر سر سفره بنشینند، برکت ها زیاد می شود.»<sup>۳</sup>

اهمیت حضور در اجتماعات و رسیدگی به احوال مردم و نگاه جامع به زندگی بی آنکه منافع فردی و شخصی در نظر گرفته شود، به نحوی است که افزون بر آرامش و شادکامی درونی جلوه ای ملکوتی و الهی نیز آن را همراهی می کند.<sup>۴</sup>

خلاصه از اجتماعات مسلمین خیرات و برکاتی نصیب انسان می گردد که هرگز در تنهایی نصیب و بهره ی شخص نخواهد شد.<sup>۵</sup>

## ۲.۲.۲. مشورت

- 
- ۱ - محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، همان، ج ۶۲، ص ۲۹۱.
  - ۲ - احمد لقمانی، چگونه شاد و خنده رو باشیم، چاپ پنجم، قم: بهشت بینش، ۱۳۹۱، ص ۲۰۷.
  - ۳ - محمد بن علی ابن بابویه، الخصال، جعفری، ج ۱، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۵.
  - ۴ - احمد لقمانی، چگونه شاد و خنده رو باشیم، همان، ص ۲۰۷.
  - ۵ - محمد بن علی بن بابویه، الخصال، همان، ج ۲، ص ۵۷۳.

قرآن کریم در سوره ی شوری مشورت را یکی از برنامه های مستمر و همیشگی مومنان می شمرد و می فرماید: «... وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ...»<sup>۱</sup> و کارهایشان به طریق مشورت در میان آنها صورت می گیرد.»

این جمله اشاره به این است که مومنین اهل رشد هستند و در استخراج و تحصیل رأی و نظر صحیح و درست دقت به عمل می آورند به همین جهت به صاحبان عقل مراجعه می کنند.<sup>۲</sup>

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) برای اینکه نیروی تفکر و اندیشه را در وجود انسان ها پرورش دهد در امور عمومی مسلمانان جلسه ی مشاوره برگزار می نمود<sup>۳</sup> و با اینکه از لحاظ عقل و تفکر کامل بود و با مبدأ وحی مرتبط بود، در مسائل مختلف اجتماعی و اجرایی و امور مهم دیگر با یاران خویش به مشورت می پرداخت تا الگو و اسوه ای برای مردم باشد، چرا که برکات مشورت از زیان های احتمالی آن به مراتب بیشتر است.<sup>۴</sup>

امام صادق (علیه السلام) در سخنی سراسر بصیرت و بینایی به هشام فرمود: «مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَ يُمْنٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ ۚ» در مشورت با عاقل خیرخواه، رشد و توفیق و برکت الهی است.»

اهل دین و خدا باوران باعث شرافت دنیا و آخرت هستند و مشورت با افراد عاقل و خیرخواه باعث شادی و میمنت، برکت و سعادت، رشد و رویش و توفیق از سوی خداوند است.<sup>۶</sup>

---

۱ - شوری (۴۲)، آیه ۳۸.

۲ - محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۸، ص ۹۳.

۳ - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۳، ص ۱۴۴.

۴ - همان، ج ۲۰، ص ۱۶۸.

۵ - حسن بن علی بن شعبه حرّانی، همان، ص ۳۹۸.

۶ - احمد لقمانی، بهترین آرزوهای زندگی، همان، ص ۲۵۶.

اشخاصی که کارهای خود را از طریق مشورت و مصلحت اندیشی یکدیگر انجام می دهند کمتر دچار لغزش شده و درصد پیشرفت بالاتری دارند.<sup>۱</sup>

همچنین مشورت با جوانان تیز هوش و با استعداد و آگاه نیز به جهت تیزهوشی و سرعت انتقالی که دارند می تواند بسیار کار ساز باشد و موجب برکت در عمر خواهد شد.<sup>۲</sup>

### ۲.۲.۳. انفاق و زکات

خداوند می فرماید: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ \* وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»<sup>۳</sup> آن چه را در راه خدا انفاق کنید خدا جای آن را پر می کند و او بهترین روزی دهندگان است.»

انفاق کردن در حقیقت یک تجارت پر سود است چرا که خداوند عوض آن را بر عهده گرفته است و هنگامی که شخص کریمی عوض چیزی را بر عهده می گیرد. مراعات برابری و مساوات نمی کند بلکه آن را چند برابر و گاه صد چندان می کند.<sup>۴</sup>

انفاق از مال و دارایی، همانند هرس کردن درختان است که به ظاهر از آن کاسته می شود ولی این کاستن توأم با رشد و فزونی می باشد. انفاق کردن از مال رزق و روزی انفاق کننده را افزایش می دهد.<sup>۵</sup>

- 
- ۱ - حسین راشدی، نمازشناسی، ج ۱، چاپ چهارم، قم: ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۰، ص ۴۲.
  - ۲ - جواد محدثی، راه زندگی، چاپ نهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۴۲.
  - ۳ - سیاء (۳۹)، آیه ۳۹.
  - ۴ - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۱۸، ص ۱۱۷.
  - ۵ - عبدالله جوادی آملی، تسنیم، همان، ج ۹، ص ۶۷۰.

رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) می فرماید: «هرگاه خواستی خداوند ثروت را بیفزاید، زکات آن را بپرداز.»<sup>۱</sup>

در جای دیگر خداوند می فرماید: «حکایت آنان که اموال خویش را در راه خدا انفاق می کنند حکایت دانه ایست که هفتصد خوشه رویانیده که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد دو برابر هم می کند که خدا وسعت بخش و داناست.»<sup>۲</sup>

این آیات، مؤمنین را ترغیب و تشویق به انفاق در راه خدا می نماید و در ابتدا جهت افزایش و برکت مالی که انفاق می کنند مثالی می زند که یک درهم آن هفتصد درهم می شود چه بسا خداوند منان برکتش را افزون تر هم می کند.<sup>۳</sup> پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم) می فرماید: «کلید های روزی رو به عرش اند و خداوند روزی های مردم را به اندازه هزینه کردن هایشان در راه خدا فرو می فرستد پس هر که زیاد هزینه کند، روزی اش افزوده می شود.»<sup>۴</sup> از آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) استفاده می شود که خداوند در برابر انفاق کردن مؤمنان مقدار زیادی بر اموال آنان می افزاید و انفاق سبب استحکام بنای جامعه و موجب نزول برکات الهی می گردد.<sup>۵</sup>

حضرت فاطمه (سلام الله علیها): «فرض الله ... و الزکاه زیاده فی الرزق؛<sup>۶</sup> خداوند ... زکات را برای افزایش روزی واجب ساخت.»

---

۱ - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، همان، ج ۸۲، ص ۱۶۲.

۲ - بقره (۲)، آیه ۲۶۱.

۳ - محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۲، ص ۵۸۷.

۴ - علاء الدین علی متقی هندی، همان، ج ۶، ص ۳۵۰.

۵ - احمد محسنی گرگانی، زکات برای همه، قم: پیام مهدی (عج)، ۱۳۷۷، ص ۲۶۱ و ۲۳۵.

۶ - محمد بن علی بن بابویه، علل الشرایع، محمد جواد ذهنی تهرانی، ج ۱، قم: مومنین، ۱۳۸۰، ص ۷۹۳.

## ۲.۲.۴. نیکی و احسان به والدین

قرآن کریم در آیات متعددی پس از فرمان به عبادت حق تعالی همه انسان ها را به احسان و نیکی به والدین دستور می دهد.<sup>۱</sup> چهارده آیه شریفه از قرآن کریم به این امر اختصاص داده شده است.<sup>۲</sup> دستوری که از آن بوی وجوب شرعی و اخلاقی استشمام می شود. دستوری که اطاعت از آن عین عبادت و بندگی و سرپیچی از آن گناه و معصیت و سبب عقاب و عذاب آخرت می گردد.<sup>۳</sup>

درباره ارزش و آثار نیکی به والدین مطالب بسیار سودمندی در سخنان گوهر بار معصومین (علیهم السلام) یافت می شود. در این زمینه امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «چه چیزی شما را باز می دارد از اینکه به پدر و مادر در زمان حیاتشان نیکی و احسان نمائید و بعد از مرگشان از برای آن دو نماز بخوانید خداوند به خاطر احسان و صلۀ او، خیر فراوانی به شمار می رساند.»<sup>۴</sup> نیکی و احسان به والدین نسبت به نماز و روزه و حج، عمره و جهاد از فیوضات بیشتری برخوردار است به گونه ای که گستراندن بال تواضع و مهرآمیز برآنان موجب تحصیل رضای الهی، استحکام پیوند خانوادگی و برکت در عمر و ثروت... می شود.<sup>۵</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) یکی از موارد گشایش در های رحمت آسمان را هنگام نگاه فرزند به چهره والدین معرفی می فرماید.<sup>۶</sup>

---

۱ - حسین انصاریان، توبه آغوش رحمت، همان، ص ۲۸۶.

۲ - مهدی نیلی پور، همان، ص ۵۴۳.

۳ - حسین انصاریان، توبه آغوش رحمت، همان، ص ۲۸۶- ۲۸۷.

۴ - محمد بن حسن حر عاملی، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۸، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹، ص ۲۷۷- ۲۷۶.

۵ - مهدی نیلی پور، همان، ص ۵۴۳.

۶ - عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیاه، همان، ص ۲۲۱.

و در حدیث دیگری می فرمایند: «هرکس تمایل دارد عمرش را طولانی و رزق و روزی اش گسترده و فراوان شود باید به پدر و مادر خود نیکی و احسان نماید.»<sup>۱</sup>

احترام به والدین نیز یکی از مصادیق بارز نیکی و احسان به آنان می باشد برای همین تمام آثار و برکات نیکی به پدر و مادر درباره احترام نیز مطرح می شود.<sup>۲</sup>

از دقت و توجه در مجموعه آیات و روایات، این مطلب به دست می آید که در صورتی که انسان گرفتار ترک واجبی از واجبات و یا حرامی از محرمات نگردد، هر آن چه در راه نیکی به والدین و خدمت به آنها و رعایت ادب و تواضع در مقابل آنها، تلاش کند، نیکوست و شخصی که اینگونه باشد، انسانی سپاسگزار و شایسته است.<sup>۳</sup>

## ۲.۲.۵. نیکی و احسان به خلق

نیکی و احسان به خلق یکی از مصادیق عمل صالح می باشد و خداوند سبحان در قرآن کریم اجر و پاداش فراوانی را برای نیکوکاران تصریح فرموده<sup>۴</sup> و این امر مورد تشویق و تاکید اسلام واقع شده است و ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز در هر فرصتی به تبلیغ این عمل پسندیده می پرداختند و مردم را به خدمت

---

۱ - سعید بن هبه الله قطب الدین راوندی، همان، ص ۲۲۱.

۲ - عیسی عیسی زاده، خانواده قرآنی، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱، ص ۲۲۲.

۳ - احمد بهشتی، خانواده در قرآن، چاپ دهم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ص ۲۹۱.

۴ - عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیاه، همان، ص ۵۲۴.

همنوعان خویش ترغیب می نمودند<sup>۱</sup> و ثواب و پاداش بسیاری را بر آن ذکر نموده اند که به طور مثال خیر دنیا، برکت در خانه و عمر طولانی نمونه هایی از اجر نیکوکاری است.<sup>۲</sup>

در این باره حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: «خیری در دنیا نیست مگر برای کسی که هر روز بر احسان خود می افزاید.»<sup>۳</sup>

پاداش دیگر نیکوکاری و احسان برکت در خانه می باشد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «برکت به سوی خانه ای که از آن نیکی می تراود از فرو رفتن کارد در کوهان شتر (که نرم و نفوذ پذیر است) و شتاب سیلاب از فراز کوه به عمق دره شتابان تر است.»<sup>۴</sup>

امام علی (علیه السلام) ترقی و پیشرفت را انجام کارهای نیک و خوبی کردن به خلق خدا می داند و می فرماید وسیله پیشرفت سه چیز است: «میهمان نوازی، به فریاد در ماندگان رسیدن و کار نیک کردن.»<sup>۵</sup>

## ۲.۲.۶. حسن خلق

- 
- ۱ - حسین مظاهری، اخلاق و جوان، همان، ج ۱، ص ۱۹۵.
  - ۲ - عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیاه، همان، ص ۵۲۶.
  - ۳ - محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، همان، ج ۱۵، ص ۳۰۹.
  - ۴ - محمدبن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۲، ص ۵۶.
  - ۵ - محمد بن حسین خوانساری، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، الفهرست، جلال الدین حسینی ارموی، ج ۷، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ص ۲۴۵، ح ۶۵۸۵.

یکی از عوامل افزایش و زیادتی رزق و روزی حسن خلق و گشاده رویی می باشد که جایگاه رفیعی در روایات دارد و اجرای آن در زندگی فردی و اجتماعی، افزون بر زیاد کردن روزی از سوی خداوند سبحان موجب رشد اخلاقی و عاطفی مردم در خانواده و جامعه است.<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «خوش اخلاقی و نیاززدن دیگران روزی را می افزاید.»<sup>۲</sup>

در فرهنگ اسلام پس از واجبات الهی حسن خلق ارزشمندترین و محبوب ترین عمل نزد خداوند می باشد و از رحمت حق سرچشمه می گیرد.<sup>۳</sup> گشاده رویی نخستین پذیرایی از مهمان است.<sup>۴</sup> هر کس با خلق خدا، خلق نیکو داشته باشد و با مردم با اخلاق خوش معاشرت کند در دنیا صاحب رزق وسیع و در آخرت دارای مقام رفیع خواهد شد.<sup>۵</sup>

امیر المومنین علی (علیه السلام) فرمود: «گنج های روزی در عرصه گاه گشاده خلقی است.»<sup>۶</sup>

براساس روایات خوش خویی نه تنها موجب نشاط زندگی فردی و اجتماعی و باعث آبادانی ریا و فزونی روزی و محبوبیت است بلکه سبب نجات آدمی و آمرزش گناهان و ... نیز می گردد.<sup>۷</sup>

## ۲.۲.۷. صله رحم

- 
- ۱ - حسین انصاریان، نظام خانواده در اسلام، همان، ص ۳۲۵.
  - ۲ - محمد محمدی ری شهری، خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث، همان، ص ۳۸۰.
  - ۳ - عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیاه، همان، ص ۳۳۳.
  - ۴ - ابوالحسن ورام بن ابی فراش، همان، ص ۷۳.
  - ۵ - محمود امجد، اخلاق انسانی در مکتب علی (ع)، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۹، ص ۸۹.
  - ۶ - علی بن محمد واسطی، عیون الحکم والمواعظ (للثی) قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶، ص ۳۵۴.
  - ۷ - عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیاه، همان، ص ۳۳۳.

یکی از کارهای نیک و پسندیده و بسیار تاثیر گذار در ایجاد روابط سالم و سازنده در میان خانواده ها و خویشاوندان صله رحم می باشد این موضوع در قرآن کریم و روایات معصومین (علیه السلام) جایگاه رفیعی دارد و سفارش بسیاری بر آن شده و عمل بر این سنت دیرینه دوام و برکت در عمر و مال را به ارمغان می آورد و دارای آثار دنیوی و اخروی فراوان می باشد.<sup>۱</sup>

حضرت امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «صله رحم اعمال را پاک، اموال را افزون، بلاها را دفع و حساب را آسان و اجل را به تاخیر می اندازد.»<sup>۲</sup>

در تفسیر عیاشی نیز آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «کسی که صله رحم نماید و از عمرش سه سال نمانده باشد خداوند آن را به سی و سه سال افزایش می دهد.»<sup>۳</sup>

چه بسا صله رحم موجب حفظ اتحاد و همبستگی و از میان رفتن ریشه های فساد و شر می گردد و به همین سبب این عمل اجر و پاداش فراوان دارد.<sup>۴</sup> رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «به یقین صله رحم روزی را می افزاید.»<sup>۵</sup>

## ۲.۲.۸. مهمان

مهمان داری و مهمان نوازی یکی از امور پسندیده ای است که مورد تاکید پیشوایان دین قرار گرفته و در فرهنگ اسلامی کرامتی ویژه دارد.<sup>۱</sup>

---

۱ - داوود حسینی، روابط سالم در خانواده، چاپ هفدهم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸.

۲ - علی بن حسن طبرسی، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، چاپ دوم، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵.

۳ - محمدبن یعقوب کلینی، تحفه الاولیاء، قم: دارالحديث، ۱۳۸۸، ص ۳۸۵.

۴ - محمدحسینی شیرازی، اخلاق اسلامی، چاپ هفتم، قم: یاس زهرا (س)، ۱۴۲۴، ص ۱۳۶.

۵ - محمد بن محمد شعیری، همان، ص ۱۲۴.

در این زمینه از پیامبر گرامی اسلام حدیثی روایت شده که می فرمایند: «إِنَّ الضَّيْفَ إِذَا جَاءَ فَتَزَلَّ بِالْقَوْمِ جَاءَ بِرِزْقِهِ مَعَهُ مِنَ السَّمَاءِ فَإِذَا أَكَلَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ بِنُزُولِهِ عَلَيْهِمْ؛<sup>۲</sup> هر گاه مهمان بر گروهی از مردمان وارد شود رزق و روزی اش همراه او از آسمان فرود می آید و چون از غذای آنان بخورد خداوند به میمنت ورود او گناه آنان را می بخشد.»

برکت خانه در آمد و رفت مهمان است. مهمان باعث گشوده شدن در رحمت الهی می شود و پذیرایی از مهمان، توفیقی ارزشمند است که نصیب هر کسی نمی شود مهمان حبیب خداست در ضرب المثل های ایرانی است که مهمان روزی خود را می آورد که البته این ضرب المثل از روایات اسلامی ناشی شده و ریشه دینی دارد.<sup>۳</sup>

افراد خانواده باید با گشاده رویی از مهمان استقبال کنند زیرا این کار موجب رضایت و خشنودی حق و باعث گشایش در کارها و سبب تحقق رحمت و لطف پروردگار عالم و عامل دفع بلا و خطر از اهل خانواده می گردد.<sup>۴</sup>

مهمان هدیه ای از سوی پروردگار عالم و عامل فزونی و زیادتی رزق و روزی می باشد همچنین موجب آموزش گناهان و باعث فرود آمدن مغفرت الهی می گردد.<sup>۵</sup> پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «امت من مادامی که به یکدیگر مهر می ورزند و... مهمان را تکریم می کنند پیوسته در خیر نیکی اند.»<sup>۶</sup>

---

۱ - علی اکبر کلاتری، همان، ص ۱۲۴.

۲ - محمد بن حسن بن علی حرعاملی، همان، ج ۲۴، ص ۳۱۷.

۳ - جواد محدثی، اخلاق معاشرت، چاپ سی و سوم، قم: بوستان بینش، ۱۳۸۵، ص ۶۳ - ۶۶.

۴ - حسین انصاریان، نظام خانواده در اسلام، همان، ص ۵۲۶.

۵ - جواد محدثی، اخلاق معاشرت، همان، ص ۶۹.

۶ - محمدبن علی بن بابویه، عیون اخبارالرضا (ع)، همان، ج ۲، ص ۲۹.

با بررسی عوامل برکت از نگاه قرآن و حدیث اولین نکته ی مهمی که توجه انسان را جلب می نماید این است که در متون اسلامی عوامل معنوی برکت در کنار عوامل مادی آن قرار دارند.

از همجواری عوامل مادی و معنوی برمی آید که در جهان بینی اسلامی، اعتقاد به تأثیر معنویت در خیر و برکت بدین معناست که اسلام علاوه بر اسباب مادی، اسباب ناشناخته و نامرئی دیگری را نیز موجب خیر و برکت می داند و معتقد است که باورهای صحیح دینی، اخلاق شایسته و اعمال صالح و نیکو و ... نیز موجب برکت مادی و معنوی خواهند شد.

## **بخش دوم: فصل سوم**

### **فصل سوم: موانع برکت**

#### **۳. موانع برکت**

##### **۳.۱. موانع فردی**

## ۳.۲. موانع اجتماعی

همان گونه که ارزش های اعتقادی، اخلاقی و عملی در ایجاد و رشد برکت موثرند برخی ضد ارزش ها نیز در زدودن برکت مادی و معنوی از زندگی ها تأثیر و نقش عمیقی دارند که نمونه هایی از آن ها را مرور خواهیم کرد.

### ۳. موانع برکت

موانع برکت را به دو قسم، فردی و اجتماعی می توان تقسیم کرد که به هر یک از آنها اشاره می شود.

#### ۳.۱. موانع فردی

##### ۳.۱.۱. گناه

اولین و مهم ترین چیزی که به طور قطع در زایل نمودن برکت در زندگی تأثیر شگرفی خواهد داشت گناه کردن می باشد.

ارتکاب گناهان برکت رزق و روزی را کم می کند و زندگی را بر آدمی تنگ می گیرد به طوری که شخص گناهکار دچار مضیقه می گردد.<sup>۱</sup>

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «همانا گناه موجب محروم شدن بنده از روزی می گردد»<sup>۲</sup>

در روایات معصومین (علیهم السلام) بین انجام گناهان و سلب برخی از برکت های الهی پیوند جدی و رابطه مستقیم مشاهده می شود.

مانند انجام برخی گناهان ضد اخلاقی و پدیدار شدن بیماری های نو ظهور، کم فروشی و پدید آمدن خوش سالی و سختی در زندگی.<sup>۳</sup>

به عنوان مثال نزول باران یکی از نعمت های طبیعی است که بر زمین خشک می بارد تا چهره ی آن را به باغ و بستان تبدیل کند. اما عصیان بندگان و تن دادن آنان به گناه، دلیل قهر کردن ابر و آسمان از خاک و زمین است.<sup>۴</sup>

به طور کلی هرگاه انسان به وسیله ارتکاب گناهان و معاصی از ساحت قدس الهی فاصله می گیرد، رزق و روزی حلال هم از دسترس او دور می گردد و ...<sup>۵</sup>

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «... خداوند بندگان را آنگاه که گناه می کنند با کاهش میوه ها و توقف برکت ها و بستن گنجینه های خیرات می آزماید، تا توبه کننده توبه کند و...»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - حسین کریمی زنجانی، پژواک گناه، قم: عقل سرخ، ۱۳۸۵، ص ۲۴.

<sup>۲</sup> - علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار، همان، ص ۱۵۵.

<sup>۳</sup> - محمد اسحاق مسعودی، آموزش ملی امر به معروف و نهی از منکر، ج ۲، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۸.

<sup>۴</sup> - حسین کریمی زنجانی، همان، ص ۲۵.

<sup>۵</sup> - محمدعلی قاسمی، گشایش روزی، چاپ دهم، قم: نور الزهرا (س)، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶.

شیخ طوسی می فرماید: «آلوده شدن به گناه علت محرومیت و سلب روزی می باشد به خصوص دروغ گفتن که بی شک فقر و تنگدستی به دنبال می آورد.»<sup>۲</sup>

بدون تردید هر گناهی در وضعیت جامعه و از طریق آن در وضعیت افراد تأثیر منفی می گذارد و موجب نوعی فساد در سازمان اجتماعی می شود به طوری که واکنش طبیعی آن دامنگیر انسان می گردد که کمترین آن می تواند سلب برکت از خانواده ها باشد.<sup>۳</sup>

از روایات اسلامی چنین استنباط می شود که بسیاری از گناهان افزون بر اینکه عکس العمل نامطلوب دارد یک سلسله آثار شوم نیز با خود به همراه می آورند.<sup>۴</sup>

به طور مثال یکی از شنیع ترین و مخرب ترین ردائیلی که موجب انحطاط جامعه و سقوط بشریت در منجلاب فساد و تباهی می شود گناه کبیره زنا است. که اثرات وخیم و زیانبار آن در قرآن و کلام گوهر بار معصومین به وضوح روشن شده است.<sup>۵</sup>

پیامبر گرامی اسلام با الهام از وحی الهی در رابطه با عواقب زنا می فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالزَّانَا فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعُ خِصَالٍ تَذْهَبُ الْبِهَاءَ عَنِ الْوَجْهِ وَتَقْطَعُ الرَّزْقَ وَتَسْخَطُ الرَّحْمَنَ وَالْخُلُودَ فِي النَّارِ؛ از زنا بهره‌ییزید که در آن چهار خصلت است رونق از چهره ببرد و روزی را قطع کند و خدا را خشمگین نماید و مایه عذاب جاودان شود.»<sup>۶</sup>

---

<sup>۱</sup> - محمد محمدی ری شهری، خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث، همان، ۱۳۸۷، ص ۵۷۵.

<sup>۲</sup> - محمد بن محمد خواجه نصیرالدین طوسی، آداب المتعلمین، همان، ص ۸۸.

<sup>۳</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۱۶، ص ۴۵۶.

<sup>۴</sup> - همان.

<sup>۵</sup> - حسین کریمی زنجانی، همان، ص ۲۶۷.

<sup>۶</sup> ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحة، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش، ص ۳۵۳.

در حدیثی امام صادق (علیه السلام) از پدرش نقل می‌کند که فرمود: «زنا کار شش عقوبت دارد سه تا در دنیا و سه تا در آخرت. اما آنچه در دنیا است این است که نور از رخسارش ببرد و موجب فقر و تنگدستی او شود، ...»<sup>۱</sup>

ریختن خون مسلمان به ناحق نیز یکی از گناهان بزرگ است که موجب زوال نعمت می‌گردد. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «سَفَكَ الدَّمَاءَ بِغَيْرِ حَقِّهَا يَدْعُو إِلَى حُلُولِ النِّقْمَةِ وَ زَوَالِ النُّعْمَةِ»<sup>۲</sup> به ناحق ریختن خون‌ها، به فرود آمدن عذاب و از بین رفتن نعمت می‌انجامد.»

به وسیله گناهان بندگان غضب خداوند نیز فراهم می‌شود و با بودن خشم و غضب خداوند، عنایت و نظر لطف خداوند به زندگی انسان کم شده و بی برکتی در زندگی حاصل می‌شود.<sup>۳</sup>

اسبغ بن نباته از امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل کرده که فرمود (رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند): هرگاه خداوند عزوجل بر مردم شهری خشم گیرد و نخواهد عذاب ناگهانی بر ایشان نازل کند، نرخ‌ها (قیمت ارزاق و اجناس) بالا رود و عمرها کوتاه شود و بازرگانان سود نبرند و میوه‌ها شاداب و سالم نگرند و قنات‌ها و چشمه‌ها آبش فراوان نشود و خداوند باران‌های فصلی را از آن شهر باز دارد و مردمان فرومایه و پست و شرور را بر آن مسلط گرداند.<sup>۴</sup>

### ۳.۱.۲. ناسپاسی و کفران (کفران نعمت)

<sup>۱</sup> - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، همان، ج ۷۶.

<sup>۲</sup> - علی بن محمد لیثی واسطی، همان، ص ۲۸۶.

<sup>۳</sup> - رضا اسماعیلی، مقاله برکت ۳، سایت راسخون ۱۳۹۲/۷/۵ ساعت ۹:۲۰، [www.Raseckoon.net](http://www.Raseckoon.net)

<sup>۴</sup> - ابی جعفر محمدبن علی قمی، همان، ص ۵۸۳.

انسان خواستار افزایش بهره مندی است و تمایل دارد که زندگی خویش را توسعه بخشد. یکی از اولین کارهایی که متاسفانه در این راه صورت می گیرد، نارضایتی از وضع موجود و ناسپاسی نسبت به آن می باشد.<sup>۱</sup>

ناسپاسی و کفران نعمت از عوامل کاهش روزی و برکت در زندگی است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»<sup>۲</sup> خداوند (برای آنها که کفران نعمت می کنند) مثلی زده است: منطقه آبادی را که امن و آرام و مطمئن بوده، و همواره روزیش به طور وافر از هر مکانی فرا می رسیده، اما نعمت خدا را کفران کردند، و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می دادند لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید.»

خدای تعالی در این آیه مثل آورده، برای کسانی که ناسپاسی نعمت می کنند اهل قریه که در مقام امن و امان و با اطمینان خاطر روزی آنها فراوان می رسید از هر جا و اطراف آنها نعمت زیاد بود ولی به نعمت های خدا کافر شدند و در اثر کفران نعمت که نه از نعمت قدردانی کردند و نه شکر. ولی نعمت خود را به جای آوردند این بود که نعمت آنان تبدیل به نقت گردید. و خدا لباس گرسنگی و خوف را به آنان پوشانید.<sup>۳</sup>

در جایی دیگر می فرماید: «سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيْنَهُ وَ مَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»<sup>۴</sup> از بنی اسرائیل بپرس: چه اندازه نشانه های روشن به آنها دادیم؟ (ولی آنان، نعمتها و امکانات مادی و معنوی را که خداوند در اختیارشان گذاشته بود، در راه غلطی به

---

<sup>۱</sup> - عباس پسندیده، رضایت از زندگی، همان، ص ۱۳۳.

<sup>۲</sup> - نحل (۱۶)، آیه ۱۱۲.

<sup>۳</sup> - نصرت امین اصفهانی، همان، ص ۲۵۱.

<sup>۴</sup> - بقره (۲)، آیه ۲۱۱.

کار گرفتند.) و کسی که نعمت خدا را، پس از آنکه به سراغش آمد، تبدیل کند (و در مسیر خلاف به کار گیرد، گرفتار عذاب شدید الهی خواهد شد) که خداوند شدید العقاب است.»

منظور از تبدیل نعمت این است که انسان امکانات و قدرت ها و منابع مادی و معنوی را که در اختیار دارد در مسیر انحراف گناه و ستم به کار گیرد خداوند هر گونه امکانات مادی و معنوی در اختیار بنی اسرائیل گذاشت ولی آنان گرفتار تبدیل نعمت (کفران نعمت) شدند و همین کار زندگی آنها را به هم ریخت.<sup>۱</sup>

زمانی که انسان کفران نعمت نماید، لیاقت داشتن آن را از دست می دهد و خداوند نیز برکت و رحمت و نعمت خویش را از او دریغ می ورزد.<sup>۲</sup>

### ۳.۱.۳. سبک شمردن نماز

استخفاف و کوچک شمردن نماز از گناهان بزرگ شمرده شده و دارای عواقب بسیار زیادی است.

خداوند در قرآن به نماز گزارانی که نسبت به اقامه نماز بی اعتنا بوده و سهل انگاری می ورزند یعنی گاهی می خوانند و گاه نمی خوانند<sup>۳</sup> می فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ \* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»<sup>۴</sup> پس وای بر نماز گزارانی که ... . نماز خود را به دست فراموشی می سپارند.»

---

<sup>۱</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۲، ص ۸۹.

<sup>۲</sup> - محمدعلی قاسمی، همان، ص ۱۳۷.

<sup>۳</sup> - محسن قرائتی، پرتوی از اسرار نماز، همان، ص ۸۷.

<sup>۴</sup> - ماعون (۱۰۷)، آیه ۶ و ۵.

منظور از ساهون خطایی است که از روی غفلت سر بزند و در آیه نمازگزارانی را گفته که از اصل نماز سهو می کنند و کل آن را به دست فراموشی می سپرند و کسی که پیوسته نماز را فراموش کند، به وضوح روشن است که برای آن اهمیتی قائل نیست.<sup>۱</sup>

آثار زیانبخش ترک نماز بیش از آن حد است که در این جا شمارش گردد اما می توان با استمداد جستن از سخنان معصومین (علیهم السلام) گوشه هایی از اسرار پنهانی ترک نماز یا سبک شمردن آن را متذکر شد.<sup>۲</sup>

رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) در بیان آنچه به سبک شمارنده نماز می رسد می فرماید: «اما پیامدهای دنیوی سبک شمردن نماز، نخست آن که خداوند برکت را از عمرش برمی دارد؛ نیز خداوند برکت را از روزی اش برمی دارد؛ و خداوند سیمای صالحان را از چهره اش می زداید؛ و هر عملی که انجام می دهد، پاداش نمی یابد...»<sup>۳</sup>

چنانچه در جامعه ای بی نمازان جانشین خداپرستان گردند، خیرات و برکات در جوامع از بین خواهد رفت و فساد و تباهی جایگزین صلاح و رستگاری خواهد شد و پیامد فساد نیز چیزی جز نابودی نیست.<sup>۴</sup>

#### ۳.۱.۴. فساد نیت

---

<sup>۱</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۲۷، ص ۳۶۰.

<sup>۲</sup> - حسین کریمی زنجانی، همان، ص ۱۲۸.

<sup>۳</sup> - علی بن موسی بن طاووس، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶، ص ۲۲.

<sup>۴</sup> - حسن راشدی، همان، ج ۲، ص ۴۷۶.

در فرهنگ قرآن و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به انگیزه و نیت در عمل بسیار توجه شده و بهای اصلی به نیت و انگیزه ی عمل داده شده تا جایی که نیت مومن برای انجام کار خیر با ارزش تر از عمل او شمرده شده است: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»<sup>۱</sup>

کسی که از عمل بسیار خود، نیت و هدف غیر خدایی داشته باشد ... خداوند کار زیاد او را در نظر مردم کم جلوه می دهد.<sup>۲</sup>

بنابراین با توجه به روایات، ارزش و مقام هر چیزی در پیشگاه خدا بستگی به اهداف و نیت و انگیزه های بنیانگذاران آن دارد<sup>۳</sup> به گونه ای که عملی که بدون «قصد قربت» و نیت خدایی باشد کمترین ارزشی ندارد.<sup>۴</sup>

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَنْوِي الذَّنْبَ فَيُحْرَمُ رِزْقَهُ؛ همانا مومن زمانی که نیت گناه می کند پس از روزی اش محروم می شود.»

بنابراین انسان باید مراقب اعمال و نیت خود باشد که عملش در راه خدا باشد نه برای غیر خدا و یا انگیزه های نفسانی که موجب نگون بختی و تباهی عمل می گردد. زیرا در راه بندگی خدا لغزش های فراوانی وجود دارد.<sup>۶</sup>

---

<sup>۱</sup> - محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، همان، ج ۸۱، ص ۳۸۱.

<sup>۲</sup> - محسن قرائتی، دقایقی با قرآن، همان، ص ۱۱۶.

<sup>۳</sup> - همان، ص ۱۷۸.

<sup>۴</sup> - محسن قرائتی، پرتوی از اسرار نماز، همان، ص ۱۱۵.

<sup>۵</sup> - احمد بن محمد برقی، المحاسن، چاپ دوم، قم: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ق، ص ۱۱۶.

<sup>۶</sup> - محسن قرائتی، پرتوی از اسرار نماز، همان، ص ۱۱۵.

### ۳.۱.۵. خواب صبحگاهی

از دیگر اموری که برکت را از خانواده ها می زداید خواب بین الطلوعین است که در آیات و روایات مورد نکوهش قرار گرفته است.

خداوند می فرماید: «فَالْمُقْسَمَاتِ أَمْرًا<sup>۱</sup> و سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می کنند.»

امام رضا (علیه السلام) درباره ی این آیه می فرماید:

«الْمَلَائِكَةُ تُقَسِّمُ أَرْزَاقَ بَنِي آدَمَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَمَنْ يَنَامُ فِيمَا بَيْنَهُمَا يَنَامُ عَنْ رِزْقِهِ<sup>۲</sup>؛ فرشتگان روزی آدمیزادگان را از طلوع سپیده تا طلوع آفتاب تقسیم می کنند پس هرکس در این فاصله بخوابد از روزی اش محروم می شود.»

و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند: «خواب اول روز، جلوی روزی را می گیرد.»<sup>۳</sup>

از مفهوم روایاتی که در فضیلت سحرخیزی وارد شده، نیز می توان دریافت که خواب بین الطلوعین مذموم است و به اقتصاد خانواده ها زیان می رساند.

### ۳.۱.۶. ترک تسمیه

هر کاری بدون ذکر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ناقص بوده و گاهی به دلیل بی توجهی به خداوند سبحان ممکن است حادثه ای ناگوار رخ دهد.<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> - ذاریات (۵۱)، آیه ۴.

<sup>۲</sup> - فضل بن حسن طبرسی، مکارم الأخلاق، چاپ چهارم، قم: انتشارات شریف الرضی، ۱۳۷۰، ص ۳۰۵.

<sup>۳</sup> - ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲، ص ۵۴۷.

<sup>۴</sup> - محسن قرائتی، پرتوی از اسرار نماز، همان، ص ۱۷۰.

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «هر چیزی با اهمیتی که با حمد خداوند و درود فرستادن بر من

آغاز نشود، بریده و ناقص و تهی از برکت است.»<sup>۱</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تاج سوره ها، نشان بندگی خدا و نشانه ی امان و رحمت است و هر

کاری که بدون بِسْمِ اللَّهِ آغاز شود و با یاد خدا نباشد، به اتمام نمی رسد.<sup>۲</sup>

### ۳.۱.۷. حرام خواری

مسئله حرام خواری از مسائلی است که در آیات و روایات معصومین (علیهم السلام) از حساسیت ویژه ای

برخوردار است<sup>۳</sup> و هیچ ارتباطی با رزق و روزی و اراده حضرت حق ندارد.<sup>۴</sup>

خداوند در قرآن می فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»<sup>۵</sup> و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید (این کار، گناه است)!»

---

<sup>۱</sup> - علاء الدین علی متقی هندی، همان، ج ۱، ص ۵۵۸، ح ۲۵۱۰.

<sup>۲</sup> - محسن قرائتی، پرتوی از اسرار نماز، همان، ص ۱۵۴.

<sup>۳</sup> - حسین مظاهری، اخلاق و جوان، همان، ج ۲، ص ۴۵.

<sup>۴</sup> - حسین انصاریان، دیار عاشقان، همان، ج ۷، ص ۴۵۶.

<sup>۵</sup> - بقره (۲)، آیه ۱۸۸.

یعنی اموالتان را در بین خودتان به باطل مصرف نکنید برای هر یک از شما حد و سهمی وجود دارد پس به حریم دیگران تجاوز نکنید که اگر تجاوز کنید مانند این است که به حریم خودتان تجاوز نموده اید.<sup>۱</sup>

دزدی، غضب، خوردن مال یتیم، کم فروشی، رشوه، غارتگری و گرفتن مال کسی به زور ستم، حرام و کسی که آلوده به این اعمال است، از رحمت حق محروم می باشد.<sup>۲</sup>

به طور مثال یکی از موجبات محرومیت از گیاهان و ظهور قحطی، کم فروشی است که موجب محروم شدن از رحمت حق می گردد.

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «إِذَا طُفِّفَ الْمِكْيَالُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِّينَ وَالنَّقْصِ»<sup>۳</sup> وقتی که مردم به کم فروشی روی آورند، خداوند هم آنان را با قحطی و کمبود مواخذه خواهد کرد.»

در باب مال حرام روایات بی شماری وارد شده که در اینجا با استمداد جستن از کلمات گرانقدر معصومین (علیه السلام)، از آثار و پیامدهای ناگوار حرام خواری حقایقی به دست می آید که از جمله آنها نابودی برکت در زندگی می باشد.<sup>۴</sup>

از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده که فرمود: «مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ أَفْقَرَهُ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ)»<sup>۵</sup> هر کس از راه غیر حلال مالی به دست آورد، خداوند او را به فقر و نداری مبتلا می سازد.»

---

<sup>۱</sup> - عبدالله جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن کریم، همان، ج ۹، ص ۵۱۱.

<sup>۲</sup> - حسین انصاریان، توبه آغوش رحمت، همان، ص ۳۱۱.

<sup>۳</sup> - محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، همان، ج ۲، ص ۳۷۴.

<sup>۴</sup> - حسین کریمی زنجانی، همان، ص ۳۴۴.

<sup>۵</sup> - احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، جلال الدین محدث، ج ۲، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ص ۶۰۸.

روزی هر شخصی نزد خداوند تقسیم شده است و به طور حلال به او خواهد رسید اما در صورتی که انسان مسیر گناه را در پیش گیرد و به حرام خواری روی آورد از روزی حلالش نزد خدا کسر خواهد شد.<sup>۱</sup>

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «كَثْرَةُ السُّحْتِ يَمْحَقُ الرِّزْقَ؛<sup>۲</sup> زیاد شدن کسب حرام روزی را نابود می سازد.»

ثروتی هم که صاحبش حقوق شرعی آن (مانند خمس، زکات، حق محروم و ..) را پرداخت ننموده باشد، مال حلال مخلوط به حرام بوده و تصرف در آن جایز نمی باشد.<sup>۳</sup>

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «كَمْ مِنْ أَكْلَةٍ مَنَعَتْ أَكْلَاتٍ؛<sup>۴</sup> بسا لقمه ای که از لقمه های فراوانی محروم کند.»

یعنی مال حرام موجب بی برکتی در رزق و روزی و مال فرد می شود و از روزی خود محروم می گردد.<sup>۵</sup>

حضرت ابوالحسن امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِي وَ إِنْ نَمِيَ لَمْ يَبَارِكْ فِيهِ؛<sup>۶</sup> همانا حرام افزایش نمی یابد و اگر افزایش یابد، برکتی در آن نیست.»

---

<sup>۱</sup> - حسین کریمی زنجانی، همان، ص ۲۶۱.

<sup>۲</sup> - حسن بن علی بن شعبه حرانی، همان، ص ۳۷۲.

<sup>۳</sup> - حسین انصاریان، نظام خانواده در اسلام، همان، ص ۳۲۷.

<sup>۴</sup> - محمد بن حسین الشریف الرضی، نهج البلاغه، شهیدی، چاپ چهاردهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۵۴۲.

<sup>۵</sup> - حسین کریمی زنجانی، همان، ص ۳۵۵.

<sup>۶</sup> - محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، همان، ج ۹، ص ۶۸۲.

کسی که اموالش را از راه حرام به دست آورد هم این مال برای او بی بهره است و هم عبادتش فایده ای نمی بخشد<sup>۱</sup> و عبادت کسی که یک لقمه حرام خورده باشد پذیرفته نیست و از رحمت خدا دور می شود که این برترین شکل عقوبت و بلا می باشد.<sup>۲</sup>

### ۱.۳.۱.۸ اسراف

واژه اسراف در لغت به معنای «گزاف کاری نمودن» در گذشتن از حد میانه، تلف کردن مال، ولخرجی کردن می باشد.<sup>۳</sup>

راغب در مفردات آورده: «سرف به معنای تجاوز کردن از حد در هر کاری است که از انسان سر بزند.»<sup>۴</sup>

اسراف، تجاوز کردن از حد قانون آفرینش و قانون شریعت می باشد<sup>۵</sup> و به طور صریح روشن است که در یک نظام صحیح هرگونه تجاوز از حد موجب فساد و از هم گسیختگی می شود و خداوند نیز با حوادث سخت و دردناک به او هشدار می دهد و برکت را از زندگی اش برمی دارد.<sup>۶</sup>

در قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم السلام) اسراف به معنای وسیع مطرح گردیده و شامل مصرف زیادتز از حد صحیح در تمام امور می باشد.<sup>۱</sup> که یکی از مذموم ترین اعمال نزد خداست و نکوهش زیادی در آیات و روایات نسبت به این عمل ناپسند شده است.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ج ۱، چاپ شانزدهم، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۳۸۹.

<sup>۲</sup> - عباس رحیمی، زندگی موفق، همان، ص ۱۴۹.

<sup>۳</sup> - محمد معین، فرهنگ معین، ج ۱، چاپ ۹، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۲، ص ۲۶۶.

<sup>۴</sup> - حسین بن محمد راغب اصفهانی، همان، ص ۴۰۷، ماده سرف.

<sup>۵</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۱۵، ص ۳۰۷.

<sup>۶</sup> - علی محمد حیدری نراقی، مستند الشیعه، مشهد: موسسه آل البیت (علیهم السلام)، ۱۴۰۱ق، ص ۲۸۶.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قَلَّةَ الْبَرَكَهٖ»<sup>۳</sup> همانا اسراف همراه با کاهش برکت است. و لخرجی و اسراف نمودن نقطه مقابل قناعت و میانه روی و اعتدال اقتصادی است که این کار زمینه ساز بروز فقر و تنگدستی و بیهوده هدر دادن نعمت ها و امکانات می باشد.<sup>۴</sup>

چنانچه امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ بَدَّرَ وَ أَسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النُّعْمَةُ»<sup>۵</sup> کسی که تبذیر و اسراف کند، نعمت از او زایل می شود.»

تجمل گرایی و اسراف بیماری خطرناکی است که مفسد مادی و معنوی بسیاری را در پی دارد و منشأ انواع آلودگی ها و زشتی ها می گردد و اقتصاد خانواده را فلج نموده و از سازندگی باز می دارد.<sup>۶</sup>

### ۳.۱.۹. غذای داغ

خوردن غذای داغ از اموری است که موجب سلب برکت می شود. نقل شده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می خواست طعامی را میل نماید وقتی دست برد و متوجه شد که غذا داغ است فرمود: «دَعُوهُ حَتَّى يَبْرُدَ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ بَرَكَهٖ»<sup>۷</sup> بگذارید تا غذا خنک شود که برکت بیشتری به همراه خواهد داشت.»

<sup>۱</sup> - محمد محمدی اشتهاردی، همان، ص ۳۰۱.

<sup>۲</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۱۵، ص ۱۵۴.

<sup>۳</sup> - محمد بن حسن حر عاملی، همان، ص ۵۵۶.

<sup>۴</sup> - جواد محدثی، راه زندگی، همان، ص ۲۷.

<sup>۵</sup> - محمدرضا و محمد و علی حکیمی، همان، ص ۴۰۳.

<sup>۶</sup> - داوود حسینی، روابط سالم در خانواده، چاپ هفدهم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷.

<sup>۷</sup> - محقق نراقی، همان، ج ۱۵، ص ۲۶۲.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «غذا را بگذارید سرد و قابل تناول شود غذای گرمی برای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آورد فرمود: «بگذارید سرد و خوردنی شود خدا غذای گرم به ما نمی خوراند برکت در غذای سرد است و گرم برکت ندارد»<sup>۱</sup>

البته منظور از اینکه داغ نخورند این است که صبر کنند تا غذا خودش خنک شود و گرنه فوت کردن غذا، خود یکی از عوامل بی برکتی است که در روایات به آن اشاره شده است.<sup>۲</sup>

### ۳.۱.۱۰. شرب خمر

حضرات معصومین (علیهم السلام) در کلام گوهر بار خویش شرابخواری را منشاء و سرچشمه ی تمام ناپاکی ها و رذایل اخلاقی برشمرده و جامعه ی اسلامی را از میگساری برحذر داشته اند و عواقب شوم و زیانبار این کار را به امت اسلامی گوشزد نموده اند.<sup>۳</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در زمینه ی میگساری می فرماید: «چهار چیزند که یکی از آنها وارد هیچ خانه ای نمی شود مگر آن که آن خانه خراب می شود و هرگز با برکت آباد نمی گردد؛ خیانت، سرقت، شرب خمر، زنا»<sup>۴</sup>

امروزه از آنجا که دانش های اجتماعی رشد و گسترش یافته و علوم مربوط به معرفت روح بشری، پیشرفت های روز افزون داشته و با توجه به آمارهای سرسام آور جنایت، فساد و ... سخنان معصومین نیز در این زمینه حاکی از صداقت و راستگویی و نمایانگر آینده نگری ابدی اسلام است.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - نعمان بن محمد مغربی بن حیون، دعائم الاسلام، ج ۲، چاپ دوم، قم: موسسه آل البیت (ع)، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷.

<sup>۲</sup> - فخرالدین طریحی، همان، ج ۴، ص ۳۴۳.

<sup>۳</sup> - حسین کریمی زنجانی، همان، ص ۲۴۵.

<sup>۴</sup> - محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۷۲، ص ۱۷۰.

با استعانت از بیانات امامان معصوم (علیهم السلام) می توان دریافت که یکی از آثار خانمان سوز نوشیدن مشروب در جوامع بشری ویرانی منزل و بی برکت شدن خانه هاست.<sup>۲</sup>

## ۳.۲. موانع اجتماعی

برخی از موانع اجتماعی برکت عبارتند از:

### ۳.۲.۱. ریا

یکی از رذایلی که انسان را از «سلوک الی الله» و راه یافتن به مقامات معنوی و کمالات انسانی باز داشته و پاداش ثواب اخروی او را از بین می برد ریا می باشد.<sup>۳</sup> اصل «ریا» از کلمه رویت است و در اصطلاح به معنای «طلب مقام و منزلت در قلوب مردم» است که از طریق نشان دادن اعمال خوب و تظاهر نمودن جلوه گر می شود.<sup>۴</sup>

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «هرکس از روی ریا و سمعه (رسیدن به گوش مردم) علم بیاموزد. خداوند برکتش را از او می گیرد و زندگی اش را بر او سخت می گیرد.»<sup>۵</sup>

این صفت رذیله مانند هر گرایش ذاتی دیگر نیاز به کنترل و هدایت دارد و در صورتی که از راه نادرست و مسیر غیر طبیعی ارضا گردد، خسارت های جبران ناپذیری را بر روح و جان انسان وارد خواهد ساخت.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - حسین کریمی زنجانی، همان، ص ۲۴۵.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۲۴۶-۲۴۳.

<sup>۳</sup> - عباس اسماعیلی یزدی، همان، ص ۴۱۵.

<sup>۴</sup> - علی محمد حیدری نراقی، همان، ص ۳۸.

<sup>۵</sup> - فضل بن حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، همان، ص ۴۵۱.

در آئین مقدس اسلام نیز ریا و خودنمایی خواه در امور دینی و خواه در امور دنیوی از سیئات اخلاقی محسوب شده و اولیای دین پیروان خویش را از هر دو برحذر داشته اند.<sup>۲</sup>

ریاکار به واسطه اینکه زمام امور خویش را به دست شیطان سپرده و به جای خشنودی خداوند، غرض از اعمالش جلب رضایت مردم می باشد، انوار معنوی را که روشنی بخش روح و جان و سرمایه نجات انسان است به ظلمات که منشاء و سرچشمه خسران و نابودی روح و بدبختی و شقاوت دنیا و آخرت است مبدل نموده و خود را از سعادت ابدی و رحمت محروم و به شقاوت همیشگی مبتلا خواهد کرد.<sup>۳</sup>

### ۳.۲.۲. بخل

خداوند درباره صفت رذیله بخل می فرماید: «وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ \* وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ \* فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ \* وَ مَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ»<sup>۴</sup> اما کسی که بخل ورزد و از این طریق بی نیازی طلبد. و پاداش نیک (الهی) را تکذیب کند. ما به زودی او را در مسیر دشواری قرار می دهیم. و در آن هنگام که (در جهنم یا قبر) سقوط می کند اموالش به حال او سودی نخواهد داشت!<sup>۵</sup>

افراد بخیل توفیقشان سلب شده و پیمودن راه برای آنها مشکل می شود و در دنیا و آخرت با سختی ها مواجه خواهند شد و اموالشان سودی به حال آنان نخواهد داشت.<sup>۵</sup>

این بخیلان بی ایمان که با انبوه مشکلات روبرو هستند، اموال سرشاری را جمع می کنند و در نهایت می گذارند و می روند و جز حسرت و اندوه بهره ای عایدشان نمی گردد.

---

<sup>۱</sup> - عباس اسماعیلی یزدی، همان، ص ۴۱۵.

<sup>۲</sup> - علی محمد حیدری نراقی، همان، ص ۴۸.

<sup>۳</sup> - جواد محدثی، اخلاق معاشرت، همان، ص ۲۴۱.

<sup>۴</sup> - لیل (۹۲)، آیه ۱۱-۸.

<sup>۵</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۲۷، ص ۷۶.

در نزد شخص بخیل در واقع چیزی جز، رنج و غم و فشار روانی پایدار و بادوام نمی گردد. بخیل به قصد ثروتمندی بخل می ورزد اما در حقیقت به سوی فقر و ناداری می شتابد.<sup>۱</sup> امام علی (علیه السلام) می فرماید: «در شگفتم از بخیل که فقر و ناداری را که از آن گریزان است به سوی خود می شتاباند و توانگری و ثروتی را که در پی آن است از دست می دهد او در دنیا مانند تهیدستان به سر می برد و در آخرت همچون توانگران از او حسابرسی می شود.»<sup>۲</sup>

### ۳.۲.۳. عدم پرداخت زکات

عدم پرداخت زکات واجب از گناهان کبیره است که خداوند در قرآن کریم به طور صریح وعده ی عذاب و آتش جهنم بر آن داده است. خداوند در سوره ی آل عمران می فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۳</sup> آنها که بخل می ورزند و آنچه را خدا از فضل خود به آنان داده انفاق نمی کنند، گمان نکنند برای آنها خیر است، بلکه برای آنها شر است، به زودی در روز قیامت آنچه را درباره آنان بخل ورزیدند همانند طوقی به گردن آنها می افکنند.»

چرا که برکت را از مالشان می برد و سزاوار عذاب ها و عقوبت های بی نهایت می گردند. این آیه، انسان ها را به انفاق برمی انگیزد و از صفت بخل و تنگ نظری برحذر می دارد. زیرا ثروت و

---

<sup>۱</sup> - عباس پسندیده، همان، ص ۷۸.

<sup>۲</sup> - محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، حمیدرضا شیخی، ج ۱، چاپ سوم، قم: دارالحدیث، بی تا، ص ۴۴۵.

<sup>۳</sup> - آل عمران (۳)، آیه ۱۸۰.

دارایی انسان، به هر دلیلی از دست می رود پس چه بهتر که از بخل و امساک اجتناب ورزد و در راه خدایسندانه ی انفاق و زکات از آن بهره گیرد.<sup>۱</sup>

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که زکات پرداخت نشود فقر بروز خواهد کرد.»<sup>۲</sup>

بر مبنای روایات وارده از معصومین (علیه السلام)، سهل انگاری نمودن در پرداخت زکات واجب آثار زیانباری به دنبال دارد و کسی که از پرداخت زکات مال خویش سرپیچی نماید مرتکب گناه شده و از عواقب دنیایی و آخرتی آن نیز بی نصیب نخواهد ماند که پیدایش فقر در جامعه و عدم نزول برکات آسمانی از آن جمله است.<sup>۳</sup>

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «إِذَا مُنِعَتِ الزَّكَاةُ مُنِعَتِ الْأَرْضُ بُرْكَاتِهَا؛<sup>۴</sup> زمانی که از پرداخت زکات خودداری شود، زمین برکاتش را باز خواهد داشت.»

### ۳.۲.۴. ترک امر به معروف و نهی از منکر

امربه معروف و نهی از منکر، فرمان به نیکی ها، جلوگیری و ممانعت از بدی ها و زشتی ها پشتوانه ی هر اجتماع و هر فضیلتی است که دوام خیر و نیکی را در پی دارد.<sup>۵</sup>

همانطور که ترک این امر مهم دینی پیامدهایی را به دنبال دارد که یکی از آنها زوال برکت است.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، همان، ج ۲، ص ۲۳۳.

<sup>۲</sup> - محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی، همان، ج ۲، ص ۴۴۸.

<sup>۳</sup> - حسین کریمی زنجانی، همان، ص ۱۹۸.

<sup>۴</sup> - محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی، همان، ج ۳، ص ۵۰۵.

<sup>۵</sup> - محمد حسینی شیرازی، همان، ص ۷۶.

مسئله امر به معروف و نهی از منکر یکی از اساسی ترین و کلیدی ترین، مسائل امت اسلامی است<sup>۲</sup> و همچون دستورات دینی دیگر از آداب و شرایطی برخوردار است که باید با رعایت آنها اهداف و مقاصد امر به معروف و نهی از منکر را تعقیب کرد.<sup>۳</sup>

از منظر قرآن کریم کسانی از خسران و تباهی در امان می باشند که هم ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند و هم دیگران را به آن توصیه و سفارش و امر نمایند و به اندازه ی توان و قدرت، اشخاص دیگر را هم دعوت به خیر و نیکی نموده و از گناه باز دارند.<sup>۴</sup>

پس امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه الهی و تکلیف شرعی است<sup>۵</sup> و آیات و روایات زیادی از جهات متعدّد بر این وظیفه اجتماعی، دینی، سیاسی اهمیت و تأکید داشته و ابعاد مختلف آن را گوشزد نموده است.<sup>۶</sup>

زیرا دعوت به کار نیک، ثواب و پاداش الهی به همراه دارد همچنانکه سکوت و بی تفاوتی در برابر فساد و انحراف و گناه. به تدریج موجب ریشه دواندن و رشد فساد و تباهی شده و افراد فاسد و مفسد بر جامعه حکومت خواهند کرد.<sup>۷</sup>

یکی از آثار وضعی ترک امر به معروف و نهی از منکر آنگونه که در احادیث معصومین (علیهم السلام) ذکر شده، رخت بر بستن برکات الهی از جامعه می باشد.<sup>۸</sup> از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده که

---

<sup>۱</sup> - عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیاه، همان، ص ۵۰۵.

<sup>۲</sup> - احمد حسین شریفی، آئین زندگی، چاپ ۲۱، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱.

<sup>۳</sup> - محمدرضا و محسن آشتیانی، همان، ص ۴۲۷.

<sup>۴</sup> - حسین مظاهری، اخلاق و جوان، همان، ج ۱، ص ۸۲.

<sup>۵</sup> - محسن قرائتی، دقایقی با قرآن، همان، ص ۱۶۷.

<sup>۶</sup> - احمد حسین شریفی، همان، ص ۱۴۱.

<sup>۷</sup> - محسن قرائتی، دقایقی با قرآن، همان، ص ۱۶۶.

<sup>۸</sup> - محمد اسحاق مسعودی، همان، ج ۲، ص ۲۶۸.

فرمودند: «لا يزال الناس بخير ما أمروا بالمعروف و نهوا عن المنكر و تعاونوا على البر فإذا لم يفعلوا ذلك نزعنا منهم البركات؛<sup>۱</sup> تا زمانی که مردم یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنند و یکدیگر را بر نیکی یاری نمایند پیوسته در خیر و نیکی به سر خواهند برد در غیر این صورت برکت ها و خیر الهی از آنان گرفته خواهد شد.»

### ۳.۲.۵. فریب مسلمان

فریب مسلمان از گناهیانی است که موجب عذاب الهی می گردد و افزون بر آیات قرآن، در احادیث معصومین (علیهم السلام) نیز به شدت از آن نهی شده،<sup>۲</sup> که عوارض و پیامدهایی همچون از بین رفتن برکت در خانواده و جامعه، قحطی، گرانی را به دنبال دارد.<sup>۳</sup>

خداوند در قرآن می فرماید: «وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ؛<sup>۴</sup> در بر نمی گیرد مکر بد مگر به اهلش (یعنی نیرنگ هر نیرنگ بازی به خودش بازگشت می کند.)»

دوری مکاران و حيله گران از رحمت حق به خاطر این بود که در برابر حق تسلیم نشدند و حيله گری های زشت و بد را پیشه ی خود ساختند ولی این حيله گری ها تنها دامان صاحبانش را می گیرد اگرچه ممکن است به طور موقت دامن گیر دیگران شود اما عاقبت به سراغ صاحب آن می آید

---

<sup>۱</sup> - محمد بن محمد مفید، المقنعة، همان، ص ۸۰۸.

<sup>۲</sup> - شهرام تاجانی، گناهان کبیره زبان، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ص ۱۹۴.

<sup>۳</sup> - محمدرضا و محسن آشتیانی، همان، ص ۳۹.

<sup>۴</sup> - فاطر (۳۵)، آیه ۴۳.

و او را در پیشگاه الهی شرمسار می سازد.<sup>۱</sup> و هر آنچه از بدی در مورد کسی اندیشیده باشد در مورد خودش مشاهده می نماید.<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «مَنْ غَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ بَرَكَهَ رِزْقِهِ؛<sup>۳</sup> هر کس برادر مسلمانش را بفریبد، خداوند برکت روزی اش را از او می گیرد.»

یکی از مصادیق فریب مسلمان، در کسب و کار، احتکار و یا سوء استفاده از کمبود اجناس در جامعه و یا حتی ایجاد کمبود مصنوعی می باشد.<sup>۴</sup>

زیان رساندن به هم نوعان و ضایع کردن حقوق مردم و ثروت اندوختن به هر قیمتی صرف نظر از اینکه شیرینی و جذابیت ندارد، این گونه ثروت ها خیر و برکت هم ندارد.<sup>۵</sup>

### ۳.۲.۶. قسم در معامله

قسم یعنی اینکه شخص برای اثبات امر یا خبری در زمان گذشته یا آینده به خداوند سوگند یاد کند.<sup>۶</sup>

بعضی از مردم در معاملات خود از کلمه ی قسم زیاد استفاده می کنند و این عادت ناپسندی است که متأسفانه در بازار مسلمین رواج یافته و اشخاص آنجا که نتوانند با چرب زبانی مشتری را به

---

<sup>۱</sup> - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۱۸، ص ۲۹۵ - ۲۹۴.

<sup>۲</sup> - عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، همان، ج ۲، ص ۳۱۱.

<sup>۳</sup> - محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۷، ص ۲۸۳.

<sup>۴</sup> - محمدرضا و محسن آشتیانی، همان، ص ۴۸.

<sup>۵</sup> - همان، ص ۴۸.

<sup>۶</sup> - شهرام تاجانی، همان، ص ۵۹.

دام اندازند با چاشنی کردن قسم به مقدسات بالاخره اعتماد مشتری را جلب می کنند و موجب حذف برکت از زندگی خود می شوند.<sup>۱</sup>

امیرالمومنین (علیه السلام) به بازرگانان فرمود: «از سوگند دروغ بپرهیزید چرا که از مال می کاهد و برکت را می برد.»<sup>۲</sup>

قسم دروغ از گناهان کبیره ای است که در اخبار و احادیث معصومین (علیه السلام) به کبیره بودنش تأکید بسیار شده<sup>۳</sup> و به شدت مورد نهی قرار گرفته.

حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه فرمودند: «از قسم خوردن بپرهیزید چرا که کالا را به پایان می رساند و برکت را از بین می برد.»<sup>۴</sup>

همچنین در کتاب نهج الفصاحه از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده که: «قسم در معامله جنس را تمام و برکت را نابود می کند.»<sup>۵</sup>

### ۳.۲.۷. خیانت در امانت

---

<sup>۱</sup> - محمدرضا و محسن آشتیانی، همان، ص ۶۰.

<sup>۲</sup> - عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیاه، همان، ص ۵۷۵.

<sup>۳</sup> - شهرام تاجانی، همان، ص ۵۹.

<sup>۴</sup> - ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی، الغارات، عبد الزهراء حسینی، قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق، ص ۶۸.

<sup>۵</sup> - ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲، ص ۴۵۲.

لفظ خیانت در برابر امانت و خائن در برابر امین است. خیانت امری است بسیار ناپسند و عملی است که از شیطان نشأت می گیرد و از خصوصیات افراد بی دین یا ضعیف الایمان می باشد که موجب سلب برکت از زندگی می گردد.<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «اگر در خانه ای خیانت باشد، برکت از آن خانه برداشته می شود.»<sup>۲</sup> و در جای دیگر می فرماید: «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِي الْمُشْتَرِكِينَ مَا لَمْ يَخُنْ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَإِذَا خَانَ أَحَدُهُمَا رَفَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَنِ أُيْدِيهِمَا وَذَهَبَتِ الْبُرْكََةُ مِنْهُمَا»<sup>۳</sup> دست خدا روی دست دو شریک است تا وقتی که یکی از آن دو به دیگری خیانت نکند پس هرگاه برمی دارد برکت از هر دو می رود.»

گاهی مسأله ی خیانت آنچنان زیرکانه و ماهرانه انجام می گیرد که بسیاری از افراد از انجام آن غافلند اما از آنجا که خداوند به اعمال دل ها و نیات درونی افراد بیناست و آگاهی دارد از آنچه که چشمان خیانت کار انجام می دهند، مطلع است.<sup>۴</sup>

خداوند در آیاتی از قرآن به موارد خیانت از قبیل خیانت در امانت و ... پرداخته و عنوان فرموده که مردم خائن و ناسپاس را دوست ندارد. «وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ»<sup>۵</sup> اگر از قومی بیم خیانت داشته باشی، پیمان را ملغی کن تا در لغو پیمان با آنها برابر باشی، زیرا خداوند خیانتکاران را دوست نمی دارد.»

---

<sup>۱</sup> - حسین انصاریان، توبه آغوش رحمت، همان، ص ۳۵۵.

<sup>۲</sup> - علاء الدین علی متقی هندی، همان، ج ۱۵، ص ۴۰۲، ح ۴۱۵۶۰.

<sup>۳</sup> - علی بن حسین ابن بابویه، الإمامة و التبصرة من الحيرة، قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۴.

<sup>۴</sup> - علی محمد حیدری نراقی، همان، ص ۲۶۶.

<sup>۵</sup> - انفال (۸)، آیه ۵۸.

پروردگار عالم به دلیل شدت نفرتی که از خیانت دارد به طور موکد مومنین را از خیانت به خدا و رسول و خیانت در امانت برحذر می‌دارد.<sup>۱</sup>

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌فرماید: «أَرْبَعَةٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا خَرِبَ وَلَمْ يُعْمَرْ بِالْبُرْكَهَ الْخِيَانَةُ وَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ السَّرِقَةُ وَ الزِّنَاءُ»<sup>۲</sup> چهار چیزند که اگر یکی از آنها وارد خانه ای شود، آن خانه خراب می‌شود و هرگز با برکت آباد نمی‌گردد.»

### ۳.۲.۸. ناسزاگویی به خلق

زبان میزان شخصیت فرد را می‌رساند و «ترجمان» احساس و اندیشه‌ی همگان و «کلید» خیر و کامیابی است و می‌تواند موجب شرور شیطانی باشد.<sup>۳</sup>

همچنین یکی از نعمت‌های بزرگ الهی و از لطایف صنع خداوندی است که با جرمی کوچک مرتکب گناهی بزرگ می‌شود به نحوی که ایمان و کفر که هر دو نهایت طاعت و طغیان بشر هستند در افراد مومن و کافر تنها به گواهی زبان آشکار می‌گردد.<sup>۴</sup>

درباره‌ی قبیح بودن فحش و ناسزاگویی روایات بسیاری وجود دارد و در آیات قرآن نیز رعایت اصول ادب و عفت و نزاکت در بیان و سخن گفتن به مسلمانان حتی در برابر مشرکین تذکر داده شده است.<sup>۵</sup>

---

<sup>۱</sup> - حسین انصاریان، توبه آغوش رحمت، همان، ص ۳۵۶.

<sup>۲</sup> - محمد بن علی ابن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۴۲.

<sup>۳</sup> - احمد لقمانی، بهترین آرزوهای زندگی، همان، ص ۱۶۹.

<sup>۴</sup> - علی محمد حیدری نراقی، همان، ص ۱۳۷.

<sup>۵</sup> - شهرام تاجانی، همان، ص ۱۰۸.

سفارش جمیع صالحان و پیشوایان دین به همه ی پیروان، همواره مهر نهادن یا کنترل زبان همانند حفاظت و حراست از ثروت فراوان و بیکران بوده است.<sup>۱</sup>

در سخنی کمال آفرین می خوانیم: «کسی که به برادر مسلمان خود فحش و ناسزا گوید، خداوند از او برکت در رزق و روزی را برمی دارد و وی را واگذار به خویشتن می کند و برنامه ی زندگی او را تیره و تباہ می سازد.»<sup>۲</sup>

اولیای گرامی اسلام افزون بر آن که در سخنان خویش حکم الهی را درباره ی ناسزاگویی بیان می فرمودند و قبح آن را خاطر نشان می ساختند عملاً مراقب دوستان و اصحاب خویش بودند و ضمن اینکه عواقب ناسزاگویی را به آنان گوشزد می نمودند آنها را از این عمل ناروا منع می کردند و به استغفار و عذرخواهی از پیشگاه حق تعالی وامی داشتند.<sup>۳</sup>

آری گاهی زبان با گفتار زشت و زیانبار، آدمی را به «قعر سقوط» می کشاند و با کلمات و الفاظ ناشایست، تیرگی و تاریکی نصیب اشخاص می نماید.<sup>۴</sup>

### ۳.۲.۹. بی عدالتی در قضاوت

یکی از اهداف تعالیم اسلام و پیشوایان دین، برپایی و گسترش عدالت اجتماعی، قانونگذاری و عدالت بین المللی در میان جامعه ی بشریت است.<sup>۵</sup> در حدیثی وارد شده است که روزی امام جعفر

---

<sup>۱</sup> - احمد لقمانی، بهترین آرزوهای زندگی، همان، ص ۱۶۹.

<sup>۲</sup> - محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، همان، ج ۴، ص ۱۳.

<sup>۳</sup> - علی محمد حیدری نراقی، همان، ص ۱۳۴.

<sup>۴</sup> - احمد لقمانی، بهترین آرزوهای زندگی، همان، ص ۲۶۸.

<sup>۵</sup> - عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، همان، ج ۲، ص ۳۵۸.

صادق (علیه السلام) را به قضاوتی خبر کردند امام آن را نپسندید، پس فرمود: «در مثل این داوری و همانند آن است که آسمان آب خود را و زمین برکت خود را دریغ می کند!»<sup>۱</sup>

اگر نور عدالت در جهان هستی نباشد، چیزی در جای خود ثابت و برقرار نخواهد ماند. و اگر قسط و عدالت در امور ظاهری و باطنی مراعات نشود دنیا و آخرت مردم رو به ویرانی می رود.<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«جَوْرُ سَاعَةٍ فِي حُكْمٍ أَشَدُّ وَأَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْمَعَاصِي سِتِّينَ سَنَةً»<sup>۳</sup> لحظه ای ستمگری در قضاوت در نزد خدا از گناه نود سال بدتر است.»

آنان که راه سرکشی و بیداد و پایمال نمودن حقوق مردم را پیشه ی خود ساختند خداوند نیز به کیفر نافرمانی و گناه و حق ستیزی آنان را گرفتار نمود و باران آسمان و نعمت و برکات زمین را از آنان دریغ کرد.<sup>۴</sup>

### ۳.۲.۱۰. ظلم و ستم

قرآن مجید علت نابودی و هلاکت گروهی از فاسقان را ظلم و ستمگری می داند و جامعه ی ستمکار و ظالم را مستحق بلا و عذاب دردناک می شمرد.<sup>۵</sup>

---

<sup>۱</sup> - محمد بن الحسن طوسی، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۳، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ ق، ص ۱۳۴.

<sup>۲</sup> - حسین انصاریان، دیار عاشقان، همان، ج ۶، ص ۲۹۰-۲۸۸.

<sup>۳</sup> - علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار، همان، ص ۳۱۶.

<sup>۴</sup> - فضل بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، همان، ج ۵، ص ۴۵.

<sup>۵</sup> - حسین انصاریان، توبه آغوش رحمت، همان، ص ۳۴۲.

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «مَنْ حَبَسَ عَنْ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئًا مِنْ حَقِّهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَةَ الرِّزْقِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ»<sup>۱</sup> هرکس که چیزی از حق برادر مسلمانش را نگه دارد (وبه او ندهد) خداوند برکت روزی را بر او حرام می کند. مگر آن که توبه کند.»

ستم و زورگویی، تجاوز به حقوق مردم، ممانعت از رسیدن مردم به حقوق خود، اعمال و رفتاری که به ناحق دل مردم را بیازارد، پایمال کردن حق و ... همه از مصادیق ظلم و ستم می باشد که مانع از ورود برکت در زندگی هاست.<sup>۲</sup>

امیر مومنان علی (علیه السلام) می فرماید: «ستم (تجاوز) نعمت ها را از بین می برد.»<sup>۳</sup>

## ۲۰۳۰۱۱. دوری از علما

علمای دین، فقها و متخصصان معارف الهیه و آشنایان به قرآن مجید و روایات معصومین (علیهم السلام) پس از انبیاء و امامان حجت خدا بر مردم می باشند و وظیفه ی مردم پیروی از آنان<sup>۴</sup> و رعایت کمال احترام و ادب و تواضع در برابر آنان است چرا که علمای دینی منسوب به دین هستند پس احترام و اکرام آنها احترام به صاحب شرع و اهانت به آنها، توهین به حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) و مایه ی بی خیری و بی برکتی در زندگی است. چنانکه اخبار و روایات بسیار در این زمینه موجود است.<sup>۵</sup>

---

<sup>۱</sup> فضل بن حسن طبرسی، مکارم الأخلاق، همان، ص ۴۳۱.

<sup>۲</sup> - حسین انصاریان، توبه آغوش رحمت، همان، ص ۳۴۲.

<sup>۳</sup> - عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۳۵.

<sup>۴</sup> - حسین انصاریان، همان، ص ۳۴۵.

<sup>۵</sup> - عبدالحسین دستغیب، قلب سلیم، همان، ج ۲، ص ۳۷.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «زمانی بر مردم خواهد آمد که آنان از عالمان می گریزند  
آنگونه که گوسفندان از گرگ می گریزند. هرگاه چنین شد، خداوند آنان را به سه چیز مبتلا می  
سازد: برکت را از اموالشان برمی دارد. حاکمی ستمگر بر آنان مسلط می سازد. از دنیا، بی ایمان  
خارج می شوند.»<sup>۱</sup>

از آنجا که وجود عالم روحانی در جامعه ی اسلامی از بزرگترین نعمت های الهی است بدین  
جهت، شکر از او، شکر از بالاترین نعمت هاست همچنانکه کفران چنین علمای فقیهی از بزرگترین  
گناهان و در حکم کفران ولایت است زیرا فقهای روحانی در زمان غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) در  
حکم نواب عامه ی آن بزرگوارند.<sup>۲</sup>

با توجه به این امر مهم نیز لازم است که توسل نظری و عملی به کتاب خدا و نبوت انبیاء و  
امامت امامان و ولایت عالمان واجد شرایط، باعث بروز خیر دنیا و آخرت و طلوع حیات طیبه می  
شود.<sup>۳</sup>

### ۳.۲.۱۲. مسئلت از غیر خداوند

یکی دیگر از موانع برکت این است که انسان، خداوند متعال را فراموش نموده و گمان کند  
دیگران بدون درخواست پروردگار می توانند نیاز او را برطرف و حاجت وی را روا سازند. خداوند

---

<sup>۱</sup> - محمد بن محمد شعیری، همان، ص ۳۴۶.

<sup>۲</sup> - عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، همان، ج ۲، ص ۳۵۵.

<sup>۳</sup> - حسین انصاریان، نظام خانواده در اسلام، همان، ص ۳۴۵.

این گونه افراد را به همان کسی واگذار می کند که امید دارند و یاری خویش را از آنها دریغ می فرماید.<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «ما فتح رجل باب مسألة يريد بها كثرة إلا زاده الله تعالى بها قلة»<sup>۲</sup> هرگز کسی در درخواست را به قصد افزایش مال، نگشود مگر آن که خداوند به این سبب، او را دچار کاستی کرد!»

گاهی به خاطر «طلب کردن» و درخواست از دیگران کیان وجودی انسان درهم می شکنند. خواستن «سند احتیاج» و نشانه ی فقر و ناداری می باشد گاهی آبروی شخص در گرو یک درخواست قرار دارد. و از طریق گشودن دست نیاز در برابر دیگران، این آبرو و حیثیت بر باد می رود.<sup>۳</sup>

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «درخواست، زبان گوینده را ناتوان می کند، دل قهرمان شجاع را می شکنند، آزاده عزیز را در جایگاه برده خوار قرار می دهد، آبرو را می برد و روزی را نابود می سازد.»<sup>۴</sup>

حضرت علی (علیه السلام) حاجت خواستن از مردم را طوق ذلت می شناسند بدین نحو که عزت را از عزتمند و بزرگی را از بزرگ زاده می ستانند.<sup>۵</sup>

خواستن از دیگران، سربار زندگی دیگران شدن را اقتضا می کند و سر بار دیگران بودن، مایه خواری و ذلت انسان می گردد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - محمدعلی قاسمی، همان، ص ۱۴۰.

<sup>۲</sup> - علاء الدین علی متقی الدین هندی، همان، ج ۳، ص ۸۳۰۴.

<sup>۳</sup> - جواد محدثی، اخلاق معاشرت، همان، ح ۱۶۳.

<sup>۴</sup> - محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، همان، ص ۱۶۳.

<sup>۵</sup> - عباس پسندیده، رضایت از زندگی، همان، ص ۱۵۵.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در توصیه های خویش به ابوذر غفاری فرمود: «ای ابوذر مبدا از دیگران درخواست کنی که در آن لحظه ذلت و خواری است و فقر زودرس را به دنبال دارد...»<sup>۲</sup>

بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که نافرمانی از پروردگار عالم و سرپیچی از اوامر الهی، موجب سلب برکت از عمر و مال و زندگی می شود.

در حقیقت گناهان اخلاقی و فردی و اجتماعی فاجعه های دردناک و هستی سوز جامعه ی بشری هستند که باعث خشم و غضب خداوند و نزول عذاب الهی می گردند.

## پیشهادات

با توجه به اینکه عنوان تحقیقی مصوب این جانب خیر و برکت از دیدگاه آیات و روایات بود. اما جهت جلوگیری از پراکندگی در مطالب و ایجاد انسجام و هماهنگی بین فصول تحقیق، تنها به بحث

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۵۴

<sup>۲</sup> - محمدتقی مجلسی، روضه المتقین، همان، ج ۱۲، ص ۲۵۶.

برکت پرداخته شد، لذا پیشنهاد می شود در زمینه خیر در آیات و روایات پژوهش منسجم و زیبایی ارائه شود.

### **منابع و ماخذ**

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی.

## کتاب فارسی

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، محمدباقر کمره ای، تهران: کتابچی، بی تا.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، جعفری، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲.
۵. ابن شعبه حرانی، ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین، تحف العقول، احمد جنتی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷.
۶. ابن فارس، احمد، معجم المقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ترجمه ذهنی تهرانی، تهران: انتشارات پیام حق، ۱۳۷۷.
۷. آشتیانی، محمد رضا و محسن، گنجینه آداب اسلامی، چاپ هشتم، بی جا، زهیر، ۱۳۹۱.
۸. امجد، محمود، اخلاق انسانی در مکتب علی (ع)، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۹.
۹. امین، نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱.
۱۰. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، چاپ بیست و هشتم، قم: ام ابیها، ۱۳۸۶.
۱۱. ----- ، توبه آغوش رحمت، چاپ سوم، قم: انتشارات دار العرفان، ۱۳۸۶.
۱۲. انیس، ابراهیم، و دیگران، معجم الاوسط، محمد بندر ریگی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۳. اینگلیس، چین، مجموعه تغذیه و تندرستی، محمود سالک، تهران: پیدایش، ۱۳۷۹.
۱۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: بعثت، ۱۳۷۴.
۱۵. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۶. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، چاپ دهم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۱۷. تاجانی، شهرام، گناهان کبیره زبان، قم: شهریار، ۱۳۸۹.
۱۸. پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، چاپ هفتم، قم: دارالحديث، ۱۳۸۹.

۱۹. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، چاپ نوزدهم، قم: موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۶.
۲۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۲۱. ثانی، زین الدین بن علی، منیه المرید، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیاه، محمدحسین فلاح زاده و دیگران، چاپ صد و دهم، قم: اسراء، ۱۳۹۲.
۲۳. -----، تسنیم تفسیر قرآن کریم، چاپ هفتم، قم: اسراء، ۱۳۸۶.
۲۴. الجوهر، اسماعیل بن حمّار، تاج اللغه و صحاح اللغه، احمد بن عبدالغفور عطّار، بی جا، انتشارات امیری، ۱۳۶۸.
۲۵. حسینی شیرازی، محمد، اخلاق اسلامی، چاپ هفتم، قم: یاس زهرا (س)، ۱۴۲۴.
۲۶. حسینی، داوود، روابط سالم در خانواده، چاپ هفدهم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۲۷. حکیمی، محمدرضا و محمد و علی، الحیاه، احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۸. خدایی، زبیده، خدایا چه بخورم، چاپ پنجم، قم: نگاران نور، ۱۳۸۸.
۲۹. خرسندی، حسن، چرا بعضی ها نماز نمی خوانند، قم: انتشارات معصومین (علیهم السلام)، ۱۳۸۹.
۳۰. خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، الفهرست، جلال الدین حسینی ارموی، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۳۱. داوود حسینی، روابط سالم در خانواده، چاپ هفدهم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۳۲. دستغیب، عبدالحسین، قلب سلیم، چاپ ششم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸.
۳۳. -----، گناهان کبیره، چاپ شانزدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
۳۴. راشدی، حسین، نمازشناسی، چاپ چهارم، قم: ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۰.
۳۵. رحیمی، عباس، جوان موفق، چاپ دوم، قم: جمال، ۱۳۸۵.
۳۶. سبحانی نیا، محمد، جوان و آرامش، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰ش.

۳۷. شریفی، احمد حسین، آئین زندگی، چاپ ۲۱، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸.
۳۸. شمس، سعید، نماز نور چشم مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم)، چاپ چهارم، قم: جمال، ۱۳۹۰.
۳۹. صادقی اردستانی، احمد، اخلاق خانواده، چاپ سوم، تهران: موسسه مطبوعاتی خزر، بی تا.
۴۰. قاسمی، محمدعلی، گشایش روزی، چاپ دهم، قم: نور الزهراء (س)، ۱۳۹۱.
۴۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۴۲. ----- ، پرتوی از اسرار نماز، چاپ بیست دوم، تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۴.
۴۳. ----- ، دقایقی با قرآن، قم: مرکز بین المللی فرهنگی و نشر کتاب المصطفی (ص)، ۱۳۹۰.
۴۴. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ هشتم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸.
۴۵. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، موسوی دامغانی، چاپ سیم، تهران: قدیانی، ۱۳۷۳.
۴۶. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، علی کرمی، تهران: فراهانی، ۱۳۷۹.
۴۷. ----- ، مجمع البیان در تفسیر قرآن، رضا ستوده، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰.
۴۸. ----- ، مجمع البیان، علی کرمی، تهران: فراهانی، ۱۳۷۷.
۴۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، احمد حسینی اشکوری، چاپ چهارم، قم: مرتضوی، ۱۴۰۸.
۵۰. طوسی، محمدبن محمد، آداب المتعلمین، عبدالرسول چمن خواه و اسماعیل آرسن، تهران: اندیشه ایرانی متون کهن (۱)، ۱۳۸۸.
۵۱. عیسی زاده، عیسی، خانواده قرآنی، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
۵۲. کریمی زنجانی، حسین، پژواک گناه، قم: عقل سرخ، ۱۳۸۵.
۵۱. کلاتری، علی اکبر، اسلام والگوی مصرف، چاپ نوزدهم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
۵۲. لقمانی، احمد، بهترین آرزوهای زندگی، چاپ دوم، قم: بهشت بینش، ۱۳۸۵.
۵۳. ----- ، چگونه شاد و خنده رو باشیم، قم: بهشت بینش، ۱۳۹۱.

۵۴. ----- ، راه زندگی، چاپ نهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.
۵۵. محسنی گرگانی، احمد، زکات برای همه، قم: پیام مهدی (عج)، ۱۳۷۷.
۵۶. محمودی الیگودرزی، امیر ملک، راهنمای ازدواج، چاپ بیستم، قم: شهاب الدین، ۱۳۸۷.
۵۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، محمدباقر کمره ای، تهران: اسلامیه، ۱۳۵۱.
۵۸. محدثی، جواد، اخلاق معاشرت، چاپ سی و سوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
۵۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، حمیدرضا شیخی، چاپ سوم، قم: دارالحدیث، بی تا.
۶۰. محمدی ری شهری، محمد، خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث، جواد محدثی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۶۱. مسعودی، محمد اسحاق، آموزش ملی امر به معروف و نهی از منکر، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۸.
۶۲. مشکینی، ازدواج در اسلام، احمد جنتی، چاپ هشتم، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۶۶.
۶۳. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰.
۶۴. مظاهری، حسین، اخلاق و جوان، قم: شفق، ۱۳۷۷.
۶۵. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ نهم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۲.
۶۶. ----- ، اخلاق در خانه، چاپ نوزدهم، قم: نشر اخلاق، ۱۳۹۱.
۶۷. مفید، الامالی، استاد ولی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴.
۶۸. مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ بیست و یک، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.
۶۹. موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم، مهدی حائری قزوینی، چاپ دوم، بی جا: ایران نگین، ۱۳۸۱.
۷۰. مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، چاپ بیست و دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۷۱. نیک خو، مهدی، گلبرگ زندگی، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰.

۷۲. نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، چاپ هفتم، تهران: مرغ سلیمان، ۱۳۸۹.
۷۳. ورام بن ابی فراس، ابوالحسن، مجموعه ورام، محمدرضا عطایی، چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۴.
۷۴. یزدی، عباس اسماعیل، فرهنگ اخلاق، چاپ دوم، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵ ش.

### کتاب عربی

۷۴. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵.
۷۵. ----- ، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۷۶. ----- ، الامالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۷۷. ----- ، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.
۷۸. ----- ، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۷۹. ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامة و التبصرة من الحیره، قم: مدرسه الإمام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۴۰۴ ق.
۸۰. ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الطهار، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹.
۸۱. ----- ، دعائم الاسلام، چاپ دوم، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۸۵.
۸۲. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶.
۸۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.

۸۴. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عده الداعی و نجاح الساعی، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷.
۸۵. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶.
۸۶. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، چاپ دوم، قم: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ق.
۸۷. بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعه، تهران: فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
۸۸. تهرانی، محمد صادق، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، چاپ دوم، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۸۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دارالکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۹۰. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات (ط القدیمة)، عبد ازهراء حسینی، قم: دارالکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۹۱. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹.
۹۲. حیدری نراقی، علی محمد، مستند الشیعه، مشهد: موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۱.
۹۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی الفاظ القرآن الکریم، چاپ چهارم، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۸۳.
۹۴. راوندی، سعید بن هبه الله قطب الدین، الدعوات، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۷.
۹۵. زمخشری، محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷.
۹۶. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف: حیدریه، ۱۳۸۶.
۹۷. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸.
۹۸. -----، تفسیر جوامع الجامع، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.

٩٩. طبرسى، على بن حسن، مشكاه الانوار، چاپ دوم، نجف: مكتبه حيدريره، ١٣٨٥.
١٠٠. طوسى، محمد بن الحسن، الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، تهران: دار الكتب الإسلاميه، ١٣٩٠ ق.
١٠١. طيب، عبدالحسين، اطيّب البيان فى تفسير القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، ١٣٧٨.
١٠٢. عده اى از علماء، الاصول الستة عشر، قم: موسسه دارالحدیث الثقافيه، ١٣٨١.
١٠٣. فراهيدى، خليل بن احمد، العين، چاپ دوم، قم: هجرت، ١٤٠٩ ق.
١٠٤. كاشانى، فتح الله، تفسير منهج الصادقين فى الزام المخالفين، تهران: كتابفروشى محمد حسن علمى، ١٣٣٦.
١٠٥. كوفى، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الكوفى، تهران: موسسه الطبع و النشر فى وزاره الارشاد الاسلامى، ١٤١٠ ق.
١٠٦. كلينى، محمد بن يعقوب، تحفه الاولياء، قم: دارالحدیث، ١٣٨٨.
١٠٧. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٨٥.
- ليثى واسطى، على بن محمد، عيون الحكم والمواعظ، قم: دارالحدیث، ١٣٧٦.
١٠٨. مجلسى، محمدتقى، لوامع صاحبقرانى مشهور به شرح فقيه، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعيليان، ١٤١٤ ق.
١٠٩. ----- ، روضه المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه (ط القديمه)، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانبور، ١٤٠٦ ق.
١١٠. مستغفرى، جعفر بن محمد، طب النبى (ص)، نجف: مكتبه الحيدريره، ١٣٨٥.
١١١. مفيد، محمد بن محمد، المقنعه، قم، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد (رحمة الله عليه)، ١٤١٣ ق.
١١٢. ----- ، الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد، قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣.

۱۱۳. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.

۱۱۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواظ (للیثی) قم: دارالحديث، ۱۳۷۶.

۱۱۵. هندی، علاء الدین علی متقی، کنز العمال، چاپ پنجم، بیروت: موسسه الرساله، بی تا.

## سایت ها

۱. رضا محمد زاده، عباس گوهری، محمد جانی پور، مقاله بررسی مفهومی و مصداقی برکت از دیدگاه قرآن کریم، ساعت ۹:۲۰، ۱۳۹۲/۸/۱۵، [www.Noormagz.com](http://www.Noormagz.com).

۲. مقاله محمد صادق سلیمیان، مقاله برکت در قرآن، ساعت ۹، ۱۳۹۲/۷/۵، [www.Raseckoon.ir](http://www.Raseckoon.ir).

۳. رضا اسماعیلی، مقاله برکت ۲، سایت راسخون ۱۳۹۲/۷/۷، ساعت ۱۰، [www.Raseckoon.net](http://www.Raseckoon.net).

## نتیجه گیری

با توجه به آن چه تا کنون گفته شد، می توان نتایج ذیل را بیان نمود:

۱. برکت خیر فراوانی است که با رشد و نمو تقارن دارد و عرف چیزی را دارای برکت می داند که از آن استفاده ی فراوان و مداوم شود.

۲. با بحث و بررسی مصادیق برکت این نکته حاصل می شود که وجود برخی افراد، مکان ها، و سایر مخلوقات که خداوند سبحان با لفظ مبارک از آن ها یاد فرموده، وجودشان به توسعه، تعالی و ماندگاری نعمت کمک شایانی می کند و در نهایت انسان را به سمت سلامت دنیوی و سعادت اخروی سوق می دهد.

۳. آنچه از همجواری عوامل مادی و معنوی برمی آید این است که در جهان بینی اسلامی، اعتقاد به تأثیر معنویت در خیر و برکت به معنای نفی تأثیر عوامل مادی یا کم رنگ کردن عنوان نقش آنها نیست. بلکه بدین معناست که اسلام علاوه بر اسباب مادی، اسباب ناشناخته و نامرئی دیگر را موجب خیر و برکت می داند و معتقد است که باورهای صحیح دینی، اخلاق شایسته و اعمال صالح و نیکو و ... نیز موجب برکت مادی و معنوی خواهند شد.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.